



قوانین طبیعت

عدالتی خدشه ناپذیر

آ.چ. بھاکتی ودانتا سوامی پرابھوپاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قوانین طبیعت:

عدالتی خدشہ ناپذیر

آ.ج. بھاکتی ودانتا سوامی پرابھوپاد



اثر حاضر ترجمه‌ای است از کتاب

The Laws of Nature: An Infallible Justice

که جهت استفاده‌ی پژوهشی و تحقیقاتی اندیشمندان و

علاقه‌مندان فلسفه‌ی ودایی در سال ۱۳۸۸ در تعداد نسخ

محدودی تکثیر گردیده است.

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	پیش‌گفتار.....
۸.....	فصل اول: خداوند و قانون کارما.....
۶۲.....	فصل دوم: کارمای بد.....
۹۲.....	فصل سوم: روش صلح و آرامش.....
۹۴.....	درباره‌ی نویسنده.....
۹۶.....	تمجید پژوهشگران از کتاب‌های شریلا پرابهوپاد.....

پیش‌گفتار

انسان از اینکه موجودی با خرد و برتر از حیوانات پست است، به خود می‌بالد؛ با این وجود چنین به نظر می‌رسد هنگامی که خردش را در آشکار ساختن رازهای طبیعت برای بهره‌مندی خویش به کار می‌گیرد، بیشتر و بیشتر در باتلاق مشکلات حل‌نشده غرق می‌گردد. موتور دارای سیستم احتراق درونی، ما را سریع‌تر به مقصد مورد نظر می‌رساند؛ اما در عین حال نتیجه‌ی آن آلودگی هوای خفقان‌آور، اثر گل‌خانه‌ای و وابستگی خطرناک به مواد نفتی است. مهار اتم، انرژی ارزان را در اختیار ما می‌گذارد؛ ولی از طرف دیگر ما را به سوی سلاح‌های کشتار جمعی، چرنوبیل، و موجی فزاینده از مواد زاید و خطرناک رادیواکتیو می‌کشاند. کشاورزی تجاری امروزی تنوعی سرگیجه‌آور و انبوهی از مواد غذایی موجود در فروشگاه‌ها را تولید می‌کند؛ اما در عین حال سبب نابودی مزارع سنتی خانوادگی، آلودگی آب‌های سطحی، فرسایش لایه‌ی بیرونی و با ارزش خاک و مشکلات بسیار دیگر می‌گردد.

واضح است که ما در تلاش‌های خود برای مهار نمودن قوانین طبیعت برای دستیابی به اهداف شخصی خود، چیزی را نادیده می‌گیریم. آن "چیز" چیست؟ ما در همان نخستین "مانترای"^۱ "ایشوپانیساد"^۲ - برجسته‌ترین اثر در میان کتب حکمت هند باستان موسوم به "اوپانیساده"^۳ - درمی‌یابیم که "مالک و کنترل‌کننده‌ی همه‌چیز در آفرینش، خداوند است. بنابراین، شخص باید تنها آن چیزهایی را بپذیرد که برای او لازم است و به‌عنوان سهم

¹ Mantra

² Īśopaniṣad

³ Upaniṣads

وی کنار نهاده شده است و نباید چیزهای دیگر را قبول نماید، چه به خوبی می‌داند که آنها متعلق به کیست."

ما در طبیعت، عملکرد این اصل را می‌بینیم. نظام طبیعت که توسط خداوند ترتیب داده شده، حافظ پرندگان و حیوانات است. فیل پنجاه کیلو غذای روزانه‌ی خود، و مورچه نیز چند دانه غله خود را می‌خورد. اگر انسان دخالت نکند، تعادل طبیعی، تمامی موجودات را نگهداری خواهد نمود.

هر متخصص کشاورزی به شما خواهد گفت که زمین می‌تواند غذای کافی برای تغذیه‌ی جمعیتی معادل ده‌برابر امروز را تولید کند. با این وجود، توطئه‌های سیاسی و جنگ‌ها، تقسیم غیرمنصفانه‌ی اراضی، تولید محصولات کشاورزی سرمایه‌ای همانند تنباکو، چای و قهوه به‌جای مواد غذایی، و فرسایش خاک به‌خاطر استفاده‌ی ناصحیح، گرسنگی میلیون‌ها نفر را حتی در کشورهای ثروتمندی مانند ایالات متحده، حتمی می‌گرداند.

ما باید قوانین طبیعت را از نقطه‌نظر خداوند متعال که این قوانین را به‌وجود آورده است، درک نماییم. در نظر او تمامی ساکنان زمین - چه موجودات زنده‌ی واقع در خشکی، آب یا هوا- پسران و دختران او محسوب می‌شوند. با این وجود ما انسان‌ها، "پیشرفته‌ترین" مخلوقات او، با این پسران و دختران با بی‌رحمی عظیمی رفتار می‌نماییم؛ از کشتار حیوانات گرفته تا نابودسازی جنگل‌های طبیعی. با این همه، آیا جای تعجب است که ما از فجایع پایان‌ناپذیر طبیعی، جنگ‌ها، بیماری‌های همه‌گیر، قحطی‌ها و مانند آن در رنج باشیم؟

منشأ اصلی مشکل ما، خواسته برای ارضای حواس بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران است. این حقوق، حقوق فرزند در ارتباط با پدر است. هر فرزند حق سهمی شدن در ثروت

پدر خود را دارد. بنابراین ایجاد برادری در بین مخلوقات روی زمین، بستگی به این ادراک دارد که خداوند پدر همگان است.

همان‌گونه که دیده‌ایم، متون ودایی^۱ بیان می‌دارند که خداوند متعال مالک و کنترل‌کننده‌ی تمامی مخلوقات است. حتی یک برگ علف بدون فرمان وی نمی‌جنبد. او کل کامل است. پس موقعیت ما چیست؟ درست همان‌گونه که یک پادشاه بدون اتباع خود پادشاه نیست، خداوند نیز بدون خادمینش، خدا نیست. او لذت‌برنده‌ی متعال است و علت وجودی ما آن است که از طریق خدمت به او و نه از طریق تلاش برای لذت‌بردن جداگانه، در لذت او شرکت نماییم. او قادر متعال، و بنابراین کاملاً مستقل است. استقلال جزئی ما انعکاسی است کوچک از استقلال کلی او. استفاده‌ی نادرست ما از آن استقلال جزئی و تلاش برای لذت‌بردن جدای از اوست که به گرفتاری فعلی ما منجر گردیده است.

چرا ما از استقلال خود به طرز اشتباهی استفاده می‌نماییم؟ چون نسبت به طبیعت واقعی خود در جهل هستیم. نخستین درس حکمت ودایی این است که ما این بدن‌ها نیستیم، بلکه روح هستیم؛ ذرات بسیار کوچکی از آگاهی که در بدن اقامت گزیده و به آن حیات می‌بخشند. دقیقاً همان‌گونه که اتومبیل دستگاهی است که به راننده‌ی خود اجازه می‌دهد تا از نقطه‌ی "الف" به نقطه‌ی "ب" سفر کند، بدن نیز دستگاهی است که به روح اجازه می‌دهد تا در طبیعت مادی متعلق به خداوند، عمل نماید و احساسات و افکار را تجربه کند. هنگامی که ما به درک هویت حقیقی خود به‌عنوان موجودات روحانی، اجزای لاینفک روح متعال - خداوند - نایل می‌شویم، درمی‌یابیم که وجود ما برای این است که به او خدمت کنیم؛ دقیقاً همان‌گونه که دست یا پا به کل بدن خدمت می‌کند.

¹ Vedic literature

به هر حال مشکل ما این است که هویت خود را که جدای از بدن است، فراموش کرده‌ایم و در عوض به اشتباه، خود را با بدن یکی می‌دانیم. چنانچه شخصی در آمریکا متولد گردد، خود را آمریکایی می‌داند، اگر در فرانسه تولد یابد، فرانسوی و سایرین نیز به همین منوال. ما همچنین خود را جنسیت، نژاد، مذهب و موقعیت اجتماعی و ... محسوب می‌کنیم. با این وجود، تمامی این ویژگی‌ها تنها به بدن مربوط می‌شود، نه به روح. بنابراین پذیرش آنها به‌عنوان هویت حقیقی، سبب می‌شود که ما خداوند و رابطه‌ی خویش با او را فراموش کنیم و خود را به‌عنوان لذت‌برنده‌ی مستقل طبیعت مادی او ببینیم.

متون ودایی شرح می‌دهند که وقتی فعالیت بشر فاقد خدمت به خداوند باشد، قانونی ظریف و دقیق که به‌عنوان قانون کارما^۱ شناخته می‌شود، بر آن حاکم می‌گردد. این همان قانون شناخته‌شده‌ی عمل و عکس‌العمل است که با آنچه ما در این دنیا انجام می‌دهیم و لذت و رنجی که به‌عنوان نتیجه تجربه می‌نماییم، در ارتباط است. اگر من موجب آزار موجود زنده‌ی دیگری شوم، آنگاه به‌همان قطعیتی که چرخ روزگار می‌گردد، من نیز مجبور خواهم شد از دردی مشابه رنج ببرم؛ و اگر موجب شادی فرد دیگری گردم، شادی مشابه با آن در انتظار من خواهد بود. در هر ثانیه و با هر دم و بازدم، اعمال ما در این جهان مادی موجب لذت و اندوه می‌گردد. به‌منظور تسهیل اجرای این عمل‌ها و عکس‌العمل‌های پایان‌ناپذیر، باید بیش از یک زندگی در میان، و بازگشت روح باید وجود داشته باشد.

هرچند اعتقاد به بازگشت روح به‌طور گسترده در هند و دیگر کشورهای شرقی مورد پذیرش است، با این وجود تا چندی پیش از هواداران معدودی در غرب برخوردار بود.

¹ Karma

کلیسا در قرن‌های گذشته به نفی فلسفه‌ی بازگشت روح پرداخت. این داستان، داستانی است طولانی که به زمانی دور، یعنی تاریخچه‌ی کلیسای نخستین مسیحیت در بین سال‌های سیصد تا ششصد بعد از میلاد باز می‌گردد. شرح این مشاجره در حوزه‌ی این کتاب نمی‌گنجد؛ اما تکذیب این مفهوم مهم، خلایی در بینش مردم غرب نسبت به جهان به جای گذاشته است.

با این وجود، در دهه‌ی اخیر بسیاری از اندیشمندان غرب ایده‌ی بازگشت روح را جدی گرفته و به آن پرداخته‌اند. به عنوان مثال، دکتر مایکل سابوم^۱ از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه اموری^۲، کتابی تحت عنوان "خاطرات مرگ: یک تحقیق پزشکی"^۳ (۱۹۸۲) را به رشته‌ی تحریر درآورده است. این کتاب حاوی تحقیقات او در تأیید تجربیات خارج از بدن است که از سوی بیمارانی که دچار حمله قلبی شده بودند، گزارش شده‌اند. سابوم می‌نویسد: "آیا ذهن که از مغز فیزیکی جدا می‌گردد، می‌تواند همان روحی به شمار آید که بر اساس برخی اعتقادات مذهبی، پس از مرگ نهایی بدن نیز به حیات خود ادامه می‌دهد؟"

دکتر ایان استیونسون^۴، روان‌پزشک دانشگاه ویرجینیا، در کتاب خود تحت عنوان "بیست روایت بازگشت روح"^۵ (۱۹۶۶)، خاطرات زندگی‌های قبلی کودکان را گزارش کرده و آن را تأیید نموده است. تحقیقات دیگری نیز که در آنها از روش‌هایی همانند بازگشت به گذشته از طریق هیپنوتیزم استفاده می‌گردد، دال بر آن است که عقیده‌ی بازگشت روح ممکن است به‌زودی در میان دانشمندان غربی مقبولیت یابد.

¹ Dr. Michael Sabom

² Emory

³ *Recollection of Death: A Medical Investigation* (1982)

⁴ Dr. Ian Stevenson

⁵ *Twenty Cases Suggestive of Reincarnation*

متون ودایی در توضیح خود درباره‌ی سرنوشت انسان، بازگشت روح را محور مرکزی به‌شمار می‌آورند. هنگامی که ما این پرسش ساده را در نظر بگیریم که چرا کودکی در خانواده‌ای ثروتمند در آمریکا متولد می‌گردد، درحالی که کودک دیگری در خانواده‌ای روستایی و گرسنه در ایتوبیی به دنیا می‌آید، منطبق این مدعا روشن می‌شود. تنها نظریه‌ی کارما و بازگشت روح - پاداش و کیفری که در زندگی‌های بسیاری حمل شده است - این پرسش را به سادگی پاسخ می‌دهد. کتاب "قوانین طبیعت: عدالتی خدشه‌ناپذیر"، بر اساس دو منبع تدوین شده است. منبع نخست، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های آ.چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپادا^۱ (مراجعه شود به شرح حال نویسنده در انتهای کتاب) درباره شری ایشوپانیشاد است که در بهار سال ۱۹۷۰ در لوس‌آنجلس ایراد گردیده است و شرحی روشن‌گر از چگونگی عملکرد واقعی کیهان را در دسترس قرار می‌دهد. دومین منبع، ترجمه و شرح شریماد-بهاگواتام^۲ به قلم شریلا پرابهوپادا است. در این‌جا ما فصل سی‌ام از کنتوی^۳ سوم این اثر بزرگ، تحت عنوان "شرح خداوند کاپیلا"^۴ بر فعالیت‌های ثمربخش زیان‌آور را بازگو می‌نماییم. در این بخش، عاقبت روحی گناهکار را مورد مطالعه قرار می‌دهیم که قوانین طبیعت خداوند را زیر پا نهاده است و بر اساس قانون کارما متحمل مجازات می‌گردد.

شریلا پرابهوپادا در یکی از سخنرانی‌های خود در زمینه‌ی ایشوپانیشاد می‌گوید: "اگر شما عمل خوب انجام دهید، در زندگی بعد خود به لذت ظاهری خواهید رسید، اما در چرخه‌ی تولد و مرگ اسیر خواهید ماند؛ و چنانچه عمل بدی را انجام دهید، آنگاه باید از نتایج

¹ Bhaktivedanta Swami Prabhupada A. C.

² Śrīmad-Bhāgavatam

³ Canto: بخش

⁴ Lord Kapila

عمل گناه‌آلود خود رنج ببرید و باز در بند تولد و مرگ باقی بمانید. با این وجود اگر برای کریشنا^۱ به عمل بپردازید، آنگاه چنین نتایجی، چه خوب و چه بد، وجود نخواهد داشت و در لحظه‌ی مرگ، شما به نزد کریشنا باز خواهید گشت. این‌گونه عملکرد، تنها راه گسستن بندهای کارما محسوب می‌شود."

برای کل جامعه نیز این تنها راه سبک‌تر نمودن رنج‌هایی است که پیش‌تر ذکر گردید. تا هنگامی که ما در این دنیا هستیم، هیچ راهی برای رهایی از تمامی رنج‌ها وجود ندارد؛ زیرا همان‌گونه که تعلیمات ودایی متذکر می‌گردند، این جهان مادی به طور ذاتی مکان رنج است. در نهایت ما در میان مجموعه‌ی عظیمی از نیروهای طبیعی، عاجز هستیم. بنابراین امید ما شناخت پروردگار متعال و پیروی از اراده‌ی او به‌عنوان ارباب طبیعت است. تنها از این طریق می‌توانیم به ورای قوانین طبیعت گام نهاده و چرخه‌ی بازگشت روح را به پایان برسانیم و نیز به کمال زندگی که عاشق خداوند شدن و کسب مکانی در ملکوت اوست، نایل آییم.

^۱ Kṛṣṇa: یکی از اسامی خداوند متعال

فصل اول

خداوند و قانون کارما

در میان انبوهی از نوشته‌های قدیمی که به زبان سانسکریت نگارش یافته و تحت عنوان ودا شناخته شده است، یکصد و هشت اوپانیشاد شامل مبانی فلسفه وجود دارند که در میان تمامی آنها، ایشوپانیشاد به‌عنوان مهم‌ترین اوپانیشاد در نظر گرفته می‌شود. از نوشته‌ی زیر که بر اساس سخنرانی شریلا پرابهوپاد (۱۹۶۸) و در مورد ایشوپانیشاد است، حقایقی درباره خداوند متعال، قوانین اداره‌کننده‌ی انرژی‌های مادی و روحانی او، و چگونگی رهایی یافتن از قید کارما را می‌آموزیم.

ایشوپانیشاد شرح می‌دهد که شخصیت اعلای خداوند "تام و کامل" است. بخشی از نظم کامل خداوند در این جهان مادی، مراحل آفرینش، حفظ و فناست. هر موجود زنده در این جهان مادی دارای برنامه‌ای معین شامل شش نوع تغییر است: تولد، رشد، بقا، تولیدمثل، فرسایش و فنا. این قانون، قانون طبیعت مادی است. یک گل ابتدا به‌صورت یک غنچه تولد می‌یابد، رشد می‌کند، برای دو یا سه روز تازه می‌ماند، دانه‌ای تولید می‌کند، به‌تدریج پژمرده می‌شود و سپس از بین می‌رود. شما نمی‌توانید این روند را توسط به‌اصطلاح علم مادی خود، متوقف گردانید. تلاش برای انجام چنین عملی "آویدیا"^۱ یا جهل محسوب می‌شود.

¹ avidyā

گاهی مردم به طرز نابخردانه‌ای تصور می‌کنند که انسان به وسیله‌ی پیشرفت علمی، جاودان خواهد شد. این یاهوگویی است. شما نمی‌توانید قوانین مادی را متوقف سازید. از این رو خداوند کریشنا در بهاگاواد-گیتا^۱ (۱۴/۷) می‌فرماید: انرژی مادی "دورات‌یا" یا^۲ است، یعنی چیزی که به هیچ وجه مغلوب شیوه‌های مادی نمی‌گردد.

طبیعت مادی شامل سه‌گونه یا "گونا"^۳ است: "ساتوا گونا"^۴، "راجا گونا"^۵ و "تامنا گونا"^۶ که گونه‌های نیکی، شهوت و جهل محسوب می‌شوند. یکی دیگر از معانی گونا، طناب است. طناب از تابیدن متوالی سه رشته الیاف ساخته می‌شود. نخست، سه رشته‌ی نازک الیاف در یکدیگر تابیده می‌گردند، سپس سه رشته از آنها به هم بافته می‌شوند و دوباره سه رشته‌ی جدید دیگر را در هم می‌تابند. بدین طریق طناب بسیار محکم می‌شود. مشابهاً، سه گونه‌ی طبیعت - نیکی، شهوت و جهل - با هم می‌آمیزند و محصول جدیدی را پدید می‌آورند. سپس این محصولات جدید در هم آمیخته می‌گردند و این عمل، بارها و بارها تکرار می‌شود؛ بدین ترتیب آنها به دفعات بی‌شماری^۷ در یکدیگر پیچیده^۸ هستند.

بدین ترتیب، انرژی مادی شما را هرچه بیشتر مقید می‌سازد. با سعی و تلاش شخصی، نمی‌توان از این قید که با عنوان "پاوارگا"^۹ شناخته می‌شود، رها شد. پاوارگا پنجمین مجموعه‌ی حروف در الفبای "دواناگاری"^{۱۰} سانسکریت است و حروف "پا"^۱، "پها"^۲، "با"^۳،

¹ Bhagavad-gītā

² duratyayā

³ guṇā

⁴ Sattva-guṇā

⁵ rajo-guṇa

⁶ tamo-guṇa

⁷ Pa-varga

⁸ Devanāgarī

⁹ pa

¹⁰ pha

"بها"^۲ و "ما"^۳ را شامل می‌شود. "پا" نشانه‌ی "پاریش‌راما"^۴ (کار سخت) است. هر موجود زنده در این جهان مادی به‌شدت تلاش می‌کند از خود محافظت کند و زنده بماند. این عمل، کوشش سخت برای بقا نامیده می‌شود. "پها" نشانه‌ی "پهنا"^۵ (کف) است. هنگامی که اسب به‌شدت کار می‌کند، از دهانش کف بیرون می‌آید. مشابهاً ما نیز هنگامی که از کار شدید خسته می‌شویم، زبانمان خشک می‌شود و مقداری کف در دهانمان به‌وجود می‌آید. همه برای ارضای حواس چنان سخت می‌کوشند که کف زیادی از دهانشان خارج می‌گردد. "با" نماینده‌ی "باندها"^۶ (بند) است. ما با وجود کوشش‌های فراوانی که انجام می‌دهیم، در بند گونه‌های طبیعت مادی باقی می‌مانیم. "بها" نشانه‌ی "بهایا"^۷ (ترس) است. در زندگی مادی، شخص همواره در آتش سوزان ترس قرار دارد، زیرا کسی نمی‌داند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. "ما" نشانه‌ی "مریتیا"^۸ (مرگ) است. تمامی امیدها و نقشه‌ها برای شادی و امنیت در این جهان با مرگ به پایان می‌رسد. بنابراین، کریشناآگاهی این روند "پاوارگا" را خنثی می‌نماید. به بیانی دیگر، شخص با در پیش گرفتن کریشناآگاهی به "آپاوارگا"^۹ می‌رسد؛ یعنی مکانی که در آن نشانی از تلاش‌های سخت برای بقا، قید و بند مادی، ترس و یا مرگ وجود ندارد. "پاوارگا"

¹ Ba² Bha³ Ma⁴ pariśrama⁵ phena⁶ bandha⁷ bhaya⁸ mṛtya⁹ apavarga

نشانه‌ی این دنیای مادی است؛ اما هنگامی که پیشوند "آ" را به آن بیافزایید، بدین معناست که اثر آن از بین می‌رود. جنبش کریشناآگاهی ما طریقت "آپاوارگا" است. متأسفانه، مردم چیزی در این باره نمی‌دانند و بنابراین عمر خود را تلف می‌کنند. این تمدن پیشرفته، تمدنی روح‌گش است. انسان‌ها در حال خودکشی هستند، زیرا نمی‌دانند که زندگی حقیقی چیست. آنها عملاً مانند حیوانات زندگی می‌کنند. حیوان نمی‌داند که زندگی چیست؛ بنابراین بدون هیچ‌چون و چرا، تحت قوانین طبیعت مادی کار می‌کند و در معرض تکامل تدریجی قرار می‌گیرد. با این وجود وقتی شما این شکل انسانی زندگی را به دست می‌آورید، مسئول هستید که به‌گونه‌ای دیگر زندگی کنید. در این مدت فرصت دارید که کریشناآگاه شوید و تمامی مسائل را حل نمایید؛ اما اگر این کار را انجام ندهید و به عمل کردن همچون حیوانات ادامه دهید، مجدداً باید در چرخه‌ی تولد و مرگ قرار گیرید و از میان ۱/۴۰۰/۰۰۰ گونه‌ی زندگی گذر نمایید، و میلیون‌ها میلیون سال طول خواهد کشید تا مجدداً به این شکل انسانی بازگردید. به‌عنوان مثال، آفتابی را که در این لحظه مشاهده می‌کنید، تا بیست و چهار ساعت بعد قابل رؤیت نخواهد بود. هر چیزی در طبیعت در یک چرخه حرکت می‌نماید. بنابراین با از دست دادن این موقعیت برای ارتقای خود، دوباره باید وارد چرخه‌ی انتقال روح شوید. قانون طبیعت بسیار قوی است. از این رو ما مراکز بسیاری را افتتاح می‌نماییم تا مردم بتوانند از انجمن بین‌المللی کریشناآگاهی استفاده نمایند و خود را ارتقا دهند.

این مهم است که کریشناآگاهی را فوراً بپذیریم؛ زیرا ما نمی‌دانیم که تا هنگام مرگ چقدر فرصت باقی مانده است. هنگامی که زمان بودن شما در این بدن سپری شود، هیچ‌کس قادر نیست از مرگ شما جلوگیری نماید. برنامه‌ی طبیعت مادی بسیار قوی است. شما نمی‌توانید بگویید "بگذار من بمانم." البته گاهی انسان‌ها چنین تقاضایی

می‌کنند. هنگامی که من در الله‌آباد بودم، یکی از دوستان قدیمی که ثروت زیادی داشت در آستانه‌ی مرگ قرار گرفت. در آن موقع او از دکتر خواهش کرد: "آیا نمی‌توانید حداقل چهار سال بیشتر به من فرصت زندگی دهید، من نقشه‌هایی دارم که نتوانسته‌ام آنها را به پایان برسانم." ملاحظه می‌کنید؛ این حماقت است. هرکسی با خود فکر می‌کند، "من باید این کار را انجام دهم. من باید آن کار را انجام دهم." خیر. نه پزشکان و نه دانشمندان نمی‌توانند بر مرگ تسلط یابند: نه قربان؛ نه تنها برای چهار سال، حتی برای چهار دقیقه هم نمی‌شود. شما باید فوراً بروید." این قانون است. بنابراین قبل از آنکه لحظه‌ی موعود فرا رسد، شخص باید بسیار دقت کند که کریشنا‌آگاه شود. شما باید کریشنا‌آگاهی را خیلی سریع درک کنید. قبل از اینکه مرگ شما فرا رسد، باید کار خود را به اتمام برسانید. این شعور است. در غیر این صورت، دچار شکست خواهید شد.

ایشوپانی‌شاد اظهار می‌دارد که هر آنچه از کل کامل - خداوند متعال - پدید آید، خود نیز کامل است. بنابراین چنانچه می‌خواهید از زندگی خود به‌درستی استفاده نمایید و کریشنا‌آگاه شوید، تمامی امکانات آن وجود دارد. اما شما باید آن را به‌طور عملی آغاز نمایید. کریشنا‌آگاهی نه امری نظری، بلکه امری عملی است. تمامی آزمایش‌ها قبلاً به انجام رسیده است. از این‌رو، همان‌گونه که در ایشوپانی‌شاد اشاره شده است، توانایی کاملی برای اجزای کامل خُرد - خودِ ما - وجود دارد که کل متعال - کریشنا - را درک نمایند. ما اجزای کامل ولی خُرد هستیم. به‌عنوان مثال، در دستگاهی بزرگ، یک پیچ کوچک وجود دارد و کمال آن پیچ کوچک این است که در جای مخصوص خود بسته شود؛ و در آن صورت ارزشمند است. اگر آن پیچ از دستگاه باز شود و روی زمین بیافتد، هیچ‌گونه ارزشی ندارد. به‌طور مشابه، ما نیز هنگامی که به کریشنا دلبسته‌ایم، کامل هستیم؛ در غیر این صورت بی‌فایده خواهیم بود.

درک کامل یعنی درک رابطه‌ی خود با کل کامل. تمامی نقصان‌ها، تنها به این دلیل تجربه می‌شوند که ما درک ناقصی از آن کامل داریم. ما با خود فکر می‌کنیم: "من با خدا یکسان هستم. من خدا هستم." این دانش ناقص است. اما اگر شما بدانید: "من جزء لاینفک خداوند هستم و بنابراین از نظر کیفی با او یکسانم"، این دانش کامل است. شکل انسانی زندگی، فرصتی است برای احیای تجلی کامل آگاهی موجود زنده. شما می‌توانید این آگاهی کامل را توسط روند کریشناآگاهی احیا نمایید. اما چنانچه از این فرصت عالی به درستی استفاده نکنید، مرتکب خودکشی می‌گردید. همان‌گونه که در ایشوپانیشاد بیان می‌گردد: "کشنده‌ی جان هر کس که باشد رهسپار کراتی می‌گردد که به عوالم بی‌ایمانان معروف است؛ عوالمی مملو از ظلمت و جهل." بنابراین کشنده‌ی روح خود نباشید. قابلیت کامل زندگی انسانی خود را برای کریشناآگاه شدن به کار گیرید. این تنها کار شماست.

گسستن بندهای کارما

ما در زندگی مقید، حتی بدون آن که متوجه باشیم، در هر قدم در حال ارتکاب گناه هستیم. علت این که ندانسته در حال انجام گناه هستیم آن است که از بدو تولد در جهل بوده‌ایم. این جهل با وجود مؤسسه‌های آموزشی متعدد، چشم‌گیر است. چرا؟ زیرا علی‌رغم آنکه دانشگاه‌های بسیار بسیار بزرگ وجود دارند، هیچ‌یک از آنها، "آتما- تاتوا"^۱ یا دانش روح را آموزش نمی‌دهند. از این‌رو مردم در جهل باقی می‌مانند و به گناه ادامه می‌دهند و از نتایج آن رنج می‌برند. این موضوع در شریما-د- بهاگاواتام (۳/۵/۵) بیان

¹ tattva-ātma

شده که: "پارابهواس تاواد آبودها جاتو یاوان نا جی گیاساتا آتما- تاتوام"^۱. این حماقت آن قدر ادامه خواهد یافت تا شخص به مرحله‌ی ادراک خودشناسی برسد. در غیر این صورت تمامی این دانشگاه‌ها و مؤسسات انتقال دانش، استمراری از همان جهل و حماقت خواهند بود. اگر فرد به این مرحله نرسد که از خود پرسش نماید: "من چیستم؟ خدا چیست؟ این جهان چیست؟ رابطه‌ی من با خدا و این جهان چیست؟" و جواب درست را نیابد، همچون حیوانی به حماقت خود ادامه خواهد داد و در معرض انتقال از بدنی به بدن دیگر و زندگی در گونه‌های مختلف حیات قرار خواهد گرفت؛ این نتیجه‌ی جهل است.

بنابراین، تمدن امروزی بسیار خطرناک است. ممکن است شخص از اینکه یک تاجر یا سیاستمدار موفق است و یا از اینکه در کشوری ثروتمند مانند آمریکا متولد شده است، احساس راحتی نماید؛ اما این موقعیت‌های زندگی امری موقتی است. آنها بدون تردید تغییر خواهند کرد و ما نمی‌دانیم که در زندگی بعدی خود و به سبب اعمال گناه‌آلودمان از چه نوع مصیبتی رنج خواهیم برد. از این رو، چنانچه فرد شروع به کسب دانش متعال ننماید، زندگی او بسیار خطرناک خواهد بود. فرض کنید که انسانی سالم در مکانی آلوده زندگی نماید. آیا زندگی او در خطر نخواهد بود؟ او هر لحظه ممکن است به بیماری مبتلا گردد. بنابراین ما باید کاری کنیم که جهل خود را از طریق کسب دانش الهی زایل سازیم.

یک مثال خوب از چگونگی ارتکاب گناه توسط ما بدون اینکه خود مطلع باشیم، آشپزی است. در بهاگاواد-گیتا (۱۳/۳) کریشنا می‌فرماید که عابدین او از گناه رها هستند، زیرا

¹ *parābhavas tāvad abodha-jāto yāvan na jijñāsata ātma-tattvam*

تنها باقی مانده‌ی غذایی را می‌خورند که به او (خداوند) تقدیم شده باشد. همچنین او از سوی دیگر می‌فرماید که: آن کسانی که غذا را برای خود طبخ می‌نمایند، تنها گناه تناول می‌کنند. تفاوت بین طبخ در این معبد و در خانه‌ای معمولی این است که ما از طریق این نوع پخت و تغذیه، از گناه رها می‌گردیم. در صورتی که پخت و تغذیه‌ی غیرعابد فقط او را بیشتر و بیشتر درگیر گناه می‌نماید. این دو نوع آشپزی به نظر یکسان می‌آید، اما با هم متفاوت است. در این جا گناهی صورت نمی‌گیرد، زیرا غذا برای کریشنا طبخ می‌شود.

هر عملی که خارج از حوزه‌ی اعمال کریشنا آگاهانه انجام دهید، شما را در گونه‌های طبیعت مادی گرفتار می‌نماید. شما معمولاً درگیر اعمال گناه‌آلود می‌گردید. آن اشخاصی که اندکی محتاط‌تر هستند، از انجام این نوع اعمال اجتناب می‌ورزند و به دین‌داری و اعمال پرهیزکارانه می‌پردازند. با این وجود، شخصی که اعمال پرهیزکارانه انجام می‌دهد نیز گرفتار می‌گردد. اگر فردی پرهیزکار باشد، ممکن است در خانواده‌ای بسیار ثروتمند یا اشرافی متولد شود، یا بسیار زیبا گردد و یا فرصتی به دست آورد که به شخصی بسیار دانش‌آموخته تبدیل گردد. اینها نتایج پرهیزکاری محسوب می‌شوند. با این وجود، چه دین‌دار و پرهیزکار باشید و چه بی‌دین، باید به رجم مادری وارد شوید؛ و این دردی بسیار سنگین است که ما آن را فراموش کرده‌ایم. چه در خانواده‌ای بسیار ثروتمند و اشرافی متولد شوید و چه از رجم یک حیوان، عذاب‌های تولد، پیری، بیماری و مرگ ادامه می‌یابد.

جنبش کریشنا آگاهی برای این است که به شما موقعیتی را عرضه دارد تا این چهار مشکل، یعنی تولد، پیری، بیماری و مرگ را حل نمایید. چنانچه به اعمال و تغذیه گناه‌آلود ادامه دهید، این دردها نیز ادامه خواهند یافت. ولی شما می‌توانید واکنش‌های گناهان خود را از طریق تسلیم‌شدن به کریشنا از بین ببرید. همان‌گونه که او در

بهاگاواد-گیتا (۶۶/۱۸) اظهار می‌دارد: "تمامی اعمال به‌اصطلاح دینی خود را ترک کن و به من تسلیم شو، من تو را از تمامی واکنش‌های گناهان حفظ خواهم نمود." بخشی از تسلیم‌شدن به کریشنا این است که دقت کنیم تا از خوردن چیزهایی که به او تقدیم نشده است، اجتناب ورزیم. در چنین عملی باید عزم راسخ خویش را به کار بندیم. حتی اگر ما مرتکب گناهی شده باشیم، توسط خوردن "پراسادام"^۱ - غذایی که به کریشنا تقدیم شده است - اثر آن را از بین خواهیم برد. چنانچه ما بدین طریق به کریشنا تسلیم شویم، او ما را از واکنش‌های گناهان حفظ خواهد نمود. این وعده‌ی اوست.

و یک عابد تسلیم‌شده در لحظه‌ی مرگ به کجا می‌رود؟ آیا بنا بر آنچه که پوچ‌گرایان می‌گویند، او نیست و نابود می‌گردد؟ خیر. کریشنا می‌فرماید "مأم‌اتی"^۲: "او به نزد من می‌آید." و فایده رفتن به آن‌جا چیست؟ "مأم‌اوپت‌یا پونار جانما دوکه‌کهلایام آشاش‌واتام ناپنووانتی"^۳: "کسی که به نزد من باز می‌گردد دیگر به این جهان مادی اسفبار، باز نخواهد گشت." این بالاترین کمال است.

ایشوپانی‌شاد اظهار می‌دارد: "کُشنده‌ی جان هرکس که باشد، رهسپار کراتی می‌گردد که به عوالم بی‌ایمانان معروف است، عوالمی مملو از ظلمت و جهل." کریشنا شیری است در مقابل دیوان و بره‌ای است در برابر عابدین. خدانشناسان می‌گویند: "ما کریشنا را ندیده‌ایم." شما او را خواهید دید. او را در واپسین لحظه، هنگامی که به صورت شیر مرگ می‌آید تا شما را هلاک کند، خواهید دید: "هی‌هات!" خدانشناس کریشنا را به‌صورت مرگ

¹ Prasadam

² mām eti

³ mām upetya punar janma duḥkhālayam aśāśvatam nāpnuvanti

می‌بیند، و فرد خداشناس یا عابد، کریشنا را به‌صورت عاشق خود و به‌آرامی یک بره مشاهده می‌نماید.

در حقیقت هرکس، یا از روی عشق و یا به اجبار، به خدمت کریشنا مشغول است. کسی که درگیر زندگی مادی است نیز به خدمت کریشنا مشغول است، زیرا او از روی اجبار در حال خدمت به انرژی برونی کریشنا یعنی انرژی مادی است. مشابه این امر را ما در مورد افراد یک مملکت مشاهده می‌نماییم. چه شخص یک فرد فرمانبردار باشد، و چه یک جانی، تحت قوانین حکومتی قرار دارد. یک مجرم ممکن است بگوید که برای حکومت هیچ اهمیتی قابل نیست. اما پلیس با به زندان انداختن او مجبورش می‌گرداند که مرجعیت حکومت را بپذیرد.

بنابراین چه فرد فلسفه‌ی چیتانیا ماهاپرابهو^۱ مبنی بر اینکه هر موجود زنده به‌طور ابدی خادم کریشناست را بپذیرد و چه نپذیرد، خادم او باقی می‌ماند. تنها تفاوت این است که شخص خداشناس و ادار به پذیرش کریشنا به‌عنوان ارباب خود می‌شود و عابد، داوطلبانه خدمت خود را به او تقدیم می‌نماید. جنبش کریشناگاهی به مردم می‌آموزد که آنها خادمین ابدی خداوند هستند و باید داوطلبانه خدمت خود را به او تقدیم نمایند. "به اشتباه ادعا نکنید که خدا هستید. آه، آیا شما به خداوند توجه نمی‌کنید؟ باید به او توجه کنید." خداشناس بزرگ هیرانیا کاشی‌پو^۲ نیز توجهی به خداوند ننمود و به همین دلیل خداوند متجلی شد و او را از بین برد. خداوند برای خداشناس به‌صورت مرگ دیده می‌شود و برای فرد خداشناس به‌صورت معشوق. این است تفاوت این دو.

¹ Caitanya Mahaprabhu

² Hiranya kaṣipu

اگر شما عابد باشید و فلسفه‌ی زندگی روحانی را درک نمایید، آنگاه مهم نیست که برای یک لحظه زندگی کنید یا صد سال. در غیر این صورت فایده‌ی زندگی چیست؟ بعضی از درختان به مدت پانصد سال زنده‌اند و بعضی پنج‌هزار سال؛ اما فایده‌ی چنین زندگی عاری از آگاهی برتر چیست؟

اگر شما بدانید که خادم کریشنا هستید و همه‌چیز متعلق به اوست، می‌توانید برای صدها سال وظایف خود را انجام دهید و هیچ‌گونه واکنش ناشی از قانون کارما، وجود نخواهد داشت. این در بهاگاواد-گیتا (۹/۳) تأیید شده است: "یاگیارتهاات کارمانو نیاترا لوکویام کارما-باندھاناها"^۱: "به‌جز عمل برای کریشنا، هرگونه عملی، چه خوب و چه بد، شما را به بند این دنیای مادی خواهد کشاند." چنانچه کار خوب انجام دهید از به‌اصطلاح لذت در زندگی بعدی خود برخوردار خواهید بود، اما هنوز در قید چرخه‌ی تولد و مرگ باقی خواهید ماند؛ و چنانچه اعمال بد انجام دهید، باید از واکنش‌های گناهان خود رنج ببرید و هم‌چنان در بند تولد و مرگ باقی بمانید. اما اگر برای کریشنا عمل نمایید، چنین نتایجی، خوب یا بد، وجود نخواهد داشت و در لحظه‌ی مرگ به نزد کریشنا بازخواهید گشت. این تنها راه برای گسستن بندهای کارماست.

کریشنا، کنترل‌کننده و مالک همه‌چیز

در ایشوپانیشاد واژه‌ی "ایشا"^۲ برای توصیف شخصیت اعلاهی خداوند به‌کار می‌رود. ایشا به معنی "کنترل‌کننده" است. آیا شما تصور می‌کنید که تحت کنترل قرار دارید، یا خیر؟ آیا هیچ شخصی در جایی از این جهان وجود دارد که کنترل نشود؟ آیا کسی می‌تواند

^۱ *yajñārthāt karmaṇo 'nyatra loko 'yam karma-bandhanaḥ*

^۲ *īśa*

بگوید: "من کنترل نمی‌شوم؟" هیچ‌کس نمی‌تواند چنین چیزی بگوید. بنابراین اگر کنترل می‌شوید چرا اظهار می‌دارید: "من کنترل نمی‌شوم، من مستقل هستم، من خدا هستم؟" چرا این یاوه‌گویی صورت می‌گیرد؟ غیرمتشخص‌گرایان مایاواد^۱ ادعا می‌کنند: "من خدا هستم، تو خدا هستی، همه خدا هستند." اما اگر آنها تحت کنترل قرار دارند، چگونه می‌توانند خدا باشند؟ آیا این معنی دارد؟ خداوند هرگز کنترل نمی‌شود؛ او کنترل‌کننده‌ی متعال است. بنابراین اگر شخصی کنترل می‌شود، فوراً باید بدانیم که او خدا نیست. البته بعضی نادانان ادعا می‌نمایند که کنترل نمی‌شوند. من یکی از آنها را می‌شناسم که انجمنی دارد و تعلیم می‌دهد که: "من خدا هستم." با این وجود، روزی او را دیدم که از دندان‌درد می‌نالید. از او پرسیدم: "تو ادعا می‌کنی خدا هستی، کنترل‌کننده‌ی متعالی، اما اکنون تحت کنترل یک دندان‌درد ساده قرار گرفتی؛ تو چه‌جور خدایی هستی؟" اگر شخصی را دیدید که ادعا می‌نماید خداست، یا همه خدا هستند، باید فوراً بدانید که چنین شخصی یک نادان درجه یک است.

ما نمی‌گوییم که موجودات زنده هیچ کنترلی ندارند. در بهاگاواد-گیتا، خداوند کریشنا می‌فرماید که موجودات زنده انرژی برتر او هستند. چرا موجودات زنده انرژی برتر هستند؟ زیرا آگاه هستند؛ در صورتی که انرژی مادی این‌طور نیست. بنابراین موجودات زنده می‌توانند انرژی مادی را تا حدی کنترل نمایند. به‌عنوان مثال، تمامی اثاث این معبد از ماده ساخته شده است: خاک، آب، آتش و هوا. اما این موجود زنده است که بر انرژی مادی تأثیر گذاشته و از آن، این وسایل را که برای پرستش کریشنا به کار می‌روند، ساخته است. مثالی دیگر؛ قبل از اینکه انسان‌ها از اروپا به آمریکا بیایند، این سرزمین تقریباً خالی از سکنه بود. مردمی که پیش از آن در این‌جا زندگی می‌کردند، به‌طور کامل از آن

¹ Māyāvādī

بهره‌برداری نکرده بودند. اما اروپایی‌ها آمدند و آن را توسعه دادند و به کشوری با صنایع و جاده‌هایی عظیم تبدیل نمودند.

از این‌رو انرژی برتر، موجودات زنده، می‌توانند تا حدی بر انرژی مادی کنترل داشته باشند. به‌همین خاطر کریشنا در بهاگاواد-گیتا (۵/۷) توضیح می‌دهد: "یایدام دهاریاته جاگات"^۱. اهمیت این جهان مادی به موجودات زنده وابسته است. یک شهر بزرگ همانند لس‌آنجلس، نیویورک یا لندن تا هنگامی ارزشمند است که موجودات زنده در آن وجود دارند. مشابهاً بدن نیز تا هنگامی که موجود زنده - روح - در آن وجود دارد، ارزشمند است. بنابراین روح مافوق ماده است. اما با بهره‌برداری از ماده در راه ارضای حواس، از آن برتری سوءاستفاده می‌شود. این یعنی زندگی مقید. ما فراموش کرده‌ایم که گرچه برتر از ماده هستیم، اما همچنان تابع خداوندیم.

مردم تمدن امروزی، اهمیتی برای خداوند قایل نیستند، زیرا از تفوق خود بر ماده سرمست گشته‌اند. آنها فقط سعی می‌کنند که از طرق مختلف از ماده بهره‌برداری نمایند، اما فراموش می‌کنند که همه انسان‌ها اعم از آمریکایی، روسی، چینی، هندی زیردست خداوند هستند. آنها کریشنا را فراموش کرده‌اند و می‌خواهند از این جهان مادی لذت ببرند. این بیماری آنهاست.

از این‌رو وظیفه‌ی عابد خداوند، احیای کریشنا‌آگاهی انسان‌هاست. عابد به آنها توضیح می‌دهد: "شما برتر از ماده‌اید، اما تابع کریشنا هستید. بنابراین نباید سعی کنید که از ماده لذت ببرید، بلکه باید از آن برای لذت او استفاده نمایید." به‌عنوان مثال، ما این معبد را برای ارضای حواس خود تزیین نکرده‌ایم، بلکه برای لذت کریشنا این کار را انجام داده‌ایم. چه تفاوتی میان ما و مردم عادی است؟ آنها آپارتمان خود را بسیار زیبا تزیین

¹ yayedam dhāryate jagat

می‌نمایند و ما نیز مکان خود را به زیبایی می‌آراییم؛ اما هدف متفاوت است. ما این عمل را برای کریشنا انجام می‌دهیم و آنها برای خود. چه شما آپارتمان شخصی خود و چه معبد کریشنا را زینت بخشید، تا وقتی ماده را برای اهداف خود به کار می‌گیرید، برتری شما نسبت به آن باقی است. چنانچه شما از شعور خود در راستای به کارگیری ماده برای لذت کریشنا استفاده نمایید، زندگیتان موفقیت‌آمیز خواهد بود؛ در صورتی که اگر همان شعور را برای ارضای حواس به کار بگیرید، در طبیعت مادی گرفتار شده، دچار اضطراب می‌گردید و آنگاه باید بدن‌ها را یکی پس از دیگری تعویض نمایید.

کریشنا کنترل‌کننده‌ی متعال انرژی پست یعنی ماده، و انرژی برتر از آن یعنی حیواتما - خود ما - است. ما انرژی برتر کریشنا هستیم؛ زیرا قادریم بر جهان مادی تسلط یابیم، اما آن تسلط نیز مشروط است. ما تنها تسلط محدودی بر این جهان مادی داریم، اما کریشنا بر ما کنترل دارد. بنابراین هر نوع تسلطی از سوی ما، تحت اراده‌ی اوست. به‌عنوان مثال، یک انسان با استفاده از شعور خود این میکروفون ظریف را ساخته است. این بدان معنی است که او برای تأمین خواسته‌ی خود توانسته است ماده را تا حدی تحت تسلط درآورد. اما شعور او از کجا آمده است؟ کریشنا به او این شعور برتر را اعطا نموده است. در بهاگاود-گیتا (۱۵/۱۵) کریشنا می‌فرماید: "سارواسیا چاهام هریدی سانی‌ویشتو ماتا اسمربیتیر گیانام آپوهانام چا"^۱: "من در قلب همه قرار دارم و به‌یاد آوردن، دانش و فراموشی از من می‌آید." بنابراین کنترل‌کننده‌ی متعال، شعور را به انرژی برتر در فرم انسانی بدن اعطا می‌نماید. "این کار را انجام بده، اکنون آن کار را انجام بده ..." این راهنمایی‌ها از روی هوا و هوس نیست. شخصی می‌خواسته در زندگی گذشته‌ی خود

¹ sarvasya cāham ḥṛdi sanniviṣṭo mattaḥ smṛtir jñānam apohanam ca

عملی را انجام دهد، اما در زندگی کنونی آن را فراموش کرده است. بنابراین کریشنا به یادش می‌آورد: "تو می‌خواستی این کار را انجام دهی. اکنون موقع آن است." از این رو گرچه شما دارای شعور برتر هستید، اما آن‌هم توسط کریشنا کنترل می‌گردد. اگر کریشنا به شما شعور بدهد، می‌توانید این میکروفون ظریف را بسازید؛ در غیر این صورت نمی‌توانید. بنابراین در هر حوزه‌ای از زندگی ما تحت کنترل کریشنا قرار داریم.

همچنین می‌توان کنترل کریشنا را در سطح کیهان مشاهده نمود. به‌عنوان مثال، سیارات عظیم بسیاری وجود دارند و سیاره‌ی زمین تنها یک سیاره‌ی کوچک است. با این وجود بر روی این سیاره، اقیانوس‌های عظیمی همچون اقیانوس اطلس و آرام و کوه‌های بزرگ و ساختمان‌های آسمان‌خراش وجود دارد. اما با وجود این‌همه بار، زمین همانند غباری ناچیز در فضا معلق است. چه کسی آن را معلق نگه داشته است؟ آیا شما قادرید که حتی یک دانه‌ی شن را در هوا معلق نگه دارید؟ شما ممکن است در مورد قانون جاذبه و بسیاری چیزهای دیگر صحبت کنید؛ اما قادر به مهار کردن آن نیستید. هواپیمای شما در هوا به پرواز در می‌آید، اما به‌محض آنکه سوخت آن به اتمام رسد، سقوط خواهد کرد. بنابراین، اگر باید دانشمندان بسیار زیادی وجود داشته باشند تا هواپیمایی بسازند که تنها به‌طور موقتی در هوا معلق بایستد، چگونه ممکن است که این زمین عظیم‌الجثه به‌طور خودبه‌خود معلق ایستاده باشد؟ خداوند کریشنا در بهاگاواد-گیتا (۱۳/۱۵) اظهار می‌دارد: "من به این سیارات مادی وارد می‌شوم و آنها را معلق نگه می‌دارم." درست همان‌گونه که برای معلق نگه‌داشتن یک هواپیما باید خلبانی داخل آن شود، برای معلق نگه‌داشتن این زمین نیز کریشنا داخل آن شده است. این حقیقت محض است.

ما باید دانش را از کریشنا دریافت نماییم و نباید برای کسب دانش هیچ روند دیگری را به غیر از شنیدن از کریشنا یا نماینده‌ی او بپذیریم. در این صورت ما دانش درجه یک خواهیم داشت. چنانچه شما مرجعی را بیابید که نماینده‌ی کریشنا باشد و او قادر باشد در این مورد صحبت نماید و دانشی را که او می‌دهد، بپذیرید، آنگاه دانش شما کامل خواهد بود. از میان تمامی روش‌های کسب دانش، ادراک مستقیم از طریق حواس، نامعتبرترین است. فرض کنید شخصی می‌پرسد: "آیا شما می‌توانید خدا را به من نشان دهید؟" این بدان معنی است که او می‌خواهد همه‌چیز را به‌طور مستقیم تجربه نماید. این یک روند درجه دو برای کسب دانش است، زیرا حواس ما ناقص است و برای اشتباه کردن نیز مستعد هستیم. فرض کنید شما مقداری طلا می‌خواهید، اما نمی‌دانید که آن را از کجا بخرید. از این‌رو نزد صاحب یک مغازه‌ی ابزارفروشی می‌روید و می‌پرسید: "آیا شما طلا دارید؟" او فوراً می‌فهمد که شما یک احمق درجه یک هستید، زیرا برای خرید طلا به مغازه‌ی ابزارفروشی آمده‌اید. بنابراین سعی می‌کند که شما را گول بزند؛ به شما قطعه‌ای آهن می‌دهد و می‌گوید: "این هم طلا." آنگاه شما چه خواهید گفت؟ آیا شما آهن را به‌عنوان طلا می‌پذیرید؟ چون شما طلا را نمی‌شناسید و برای خرید آن به مغازه‌ی ابزارفروشی رفته‌اید، قطعه‌ای آهن می‌گیرید و گول می‌خورید. به‌طور مشابه، افراد نادانی که می‌خواهند خدا به آنها نشان داده شود، نمی‌دانند که خدا چیست و بنابراین مغبون رهبران روحانی قلبی‌ای می‌گردند که ادعا می‌نمایند خدا هستند؛ این دائماً اتفاق می‌افتد.

اگر شما می‌خواهید طلا بخرید، حداقل باید دانشی مقدماتی در مورد طلا داشته باشید. مشابهاً، اگر می‌خواهید خدا را ببینید، اولین شرط این است که باید خصوصیتی از کریشنا

را بدانید. در غیر این صورت، اگر نزد فرد نادانی بروید و او ادعا نماید که خداست و شما نیز او را به عنوان خدا بپذیرید، فریب خواهید خورد.

پرسش دیگر ما از شخصی که می گوید: "من می خواهم خدا را ببینم"، این است که: "شما چه صلاحیتی برای دیدن خداوند دارید؟" خداوند وجود پیش پا افتاده‌ای نیست که توسط هر شخص و هر فردی مورد مشاهده قرار گیرد. خیر؛ جنبش کریشناگاهی هیچ چیز بی معنی و پیش پا افتاده‌ای را ارائه نمی دهد. اگر می خواهید خداوند را رو در رو ببینید، باید از قواعد و قوانین تنظیم کننده پیروی نمایید. باید هاره کریشنا را ذکر نمایید و خود را تزکیه کنید. آنگاه به تدریج زمانی فرا خواهد رسید که پاک شده باشید، و در آن هنگام خدا را مشاهده خواهید نمود.

هرچند در وضع آلوده‌ی کنونی شما صلاحیت دیدن خداوند را ندارید، اما او بسیار مهربان است و اجازه می دهد وی را به شکل دییتی^۱ در معبد ببینید. با آن شکل، او می پذیرد که توسط هر کسی مورد مشاهده قرار گیرد؛ خواه آن فرد بداند که او خداست و خواه نداند. دییتی یک بت و یک تصور نیست. دانش چگونگی ساخت دییتی و استقرار آن در محراب از کتاب‌های مقدس و "آچارهای"^۲ برتر یا پیران روحانی به دست آمده است. از این رو، دییتی موثق در معبد، خود کریشناست و قادر است عشق و خدمت شما را تمام و کمال پاسخ دهد.

به هر حال با حواس مادی و ناقص کنونی فوراً قادر نخواهید بود که شکل روحانی خداوند، نام، ویژگی‌ها، بازی‌های متعال و ملحقات او را درک نمایید. چون انسان‌ها در تمدن کنونی خود قدرتی برای درک خداوند ندارند و نیز از راهنمایی اشخاصی که

¹ Deity

² Ācāryas

می‌توانند در درک خداوند به آنها کمک نمایند، برخوردار نیستند، بنابراین بی‌خدا شده‌اند. با این وجود، چنانچه کتاب‌های مقدس ودایی همچون ایشوپانیشاد و بهاگاواد-گیتا را تحت راهنمایی شخص برتری بخوانید و از قواعد و قوانین تنظیم‌کننده پیروی نمایید، سرانجام خداوند بر شما آشکار خواهد شد. شما قادر به دیدن و درک خداوند از طریق تلاش‌های فردی نیستید و باید خود را به روندی که توسط آن می‌توان خداوند را شناخت، تسلیم نمایید. آنگاه او خود را آشکار خواهد ساخت. او کنترل‌کننده‌ی متعال است. شما کنترل می‌شوید. بنابراین چگونه می‌توانید خداوند را کنترل نمایید؟ "ای خدا، بیا این‌جا، من می‌خواهم تو را ببینم." خداوند وجود بی‌ارزشی نیست که طبق دستور شما بخواهد بیاید و دیده شود. نه، چنین چیزی امکان ندارد. باید همواره به یاد داشته باشید: "خداوند کنترل‌کننده‌ی متعال است و من تحت کنترل هستم. از این‌رو چنانچه من قادر گردم تا به وسیله‌ی خدمت خود، او را راضی نمایم، آنگاه او خود را بر من آشکار خواهد ساخت." این روند شناخت خداوند است.

در نهایت، این روند به عشق خداوند منتهی می‌گردد که دین حقیقی است. تفاوتی نمی‌کند که شما از مذهب هندو، اسلام یا مسیحیت پیروی می‌نمایید. اگر عشق به خداوند در شما در حال افزایش است، آنگاه شما در دین خود کامل هستید. ولی ما چه نوع عشقی را باید نسبت به خداوند افزایش دهیم؟ عشقی که فاقد هرگونه انگیزه‌ی خودخواهانه باشد. "ای خدا، من عاشق تو هستم، زیرا تو چیزهای زیبای بسیاری را در دسترس من قرار می‌دهی. تو برآورنده‌ی خواسته‌های من هستی." نه؛ ما نباید چنین عشقی نسبت به خداوند داشته باشیم. عشق نباید به هیچ نوع داد و ستدی وابسته باشد. خداوند چیتانیا ماهاپرابهو آموزش داد که: "خداوند! چه تو مرا در زیر قدوم نیلوفرین خود خُرد سازی یا مرا در آغوش گیری و یا با عدم حضور در کنارم، مرا دل‌شکسته سازی،

تفاوتی نخواهد داشت. تو در هر آنچه که انجام می‌دهی، کاملاً آزادی؛ زیرا بدون هیچ قید و شرطی، خداوند پرستیدنی من هستی." این، عشق است. ما باید فکر کنیم: "خداوند هرکاری که دوست دارد، می‌تواند انجام دهد، با این وجود من باز هم او را دوست خواهم داشت و در مقابل، هیچ چیز نمی‌خواهم." این، آن عشقی است که کریشنا می‌خواهد. به‌همین دلیل است که او بسیار شیفته‌ی "گویی" ^۱هاست. در عشق گویی‌ها، جایی برای مبادلات تجاری وجود ندارد: "این را به من بده، آنگاه من تو را دوست خواهم داشت." عشق آنها پاک، ناب و بدون هیچ نقصی بود. چنانچه سعی کنید خدا را بدین طریق دوست داشته باشید، هیچ چیز در دنیا نمی‌تواند مانع شما باشد؛ تنها باید اشتیاق خود را افزایش دهید: "کریشنا! من تو را می‌خواهم." آنگاه امکان توقف شما وجود نخواهد داشت. در هر شرایطی عشق شما افزایش پیدا خواهد کرد و با نایل آمدن به آن موقعیت، کاملاً احساس رضایت خواهید نمود. خداوند عشق شما را به خاطر خودش نمی‌خواهد؛ این به سود خودتان است. در صورتی که به شیوه‌ای غیر از این عمل نمایید، هرگز شادمان نخواهید بود.

خداوند و انرژی‌های او

ایشوپانی‌شاد توضیح می‌دهد که هرچیزی را که ما می‌بینیم، اعم از جاندار و بی‌جان، توسط خداوند متعال کنترل می‌گردد. خداوند کریشنا همین مطلب را در بهاگاواد-گیتا (۱۰/۹) می‌فرماید: انرژی‌های او، همه چیز را کنترل می‌نماید. "ویشنوپورانا" ^۲ نیز چنین

^۱ gopī

^۲ Viṣṇu Purāṇa

تأیید می‌نماید، "اِکا دِشا استهیتاسیاگنر جیوت‌سنا ویستارینی یاتها"^۱: "همان‌گونه که گرما و نور آتشی که در یک‌جا واقع است در تمامی اطراف آن منتشر می‌گردد، کل آفرینش نیز، تجلی انرژی‌های بسط‌یافته‌ی خداوند متعال است." به‌عنوان مثال، خورشید در یک‌جا واقع است، ولی نور و حرارتش را در تمامی کیهان منتشر می‌سازد. به‌طور مشابه، خداوند متعال، انرژی‌های مادی و روحانی خود را در سراسر آفرینش منتشر می‌نماید.

انرژی روحانی در این جهان مادی موقت وجود دارد، ولی توسط انرژی مادی پوشیده شده است. مثلاً، خورشید همواره در آسمان می‌درخشد و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع درخشش آن گردد، اما گاهی اوقات توسط یک ابر پوشانده می‌شود. هنگامی که این پدیده اتفاق می‌افتد، آفتاب بر روی زمین کم نور می‌گردد. هرچه خورشید بیشتر پوشیده شود، کم‌سوتر می‌گردد. اما این پوشش خورشید، جزئی است. همه‌ی نور خورشید نمی‌تواند پوشانده شود. چنین چیزی امکان ندارد. ممکن است جزئی از آفتاب توسط ابری پوشیده گردد. مشابهاً، این دنیای مادی نیز بخشی ناچیز از عالم روحانی است که توسط انرژی مادی پوشیده شده است.

انرژی مادی چیست؟ انرژی مادی تنها شکل دیگری از انرژی روحانی است که در غیاب عملکرد روحانی متجلی می‌گردد. باز هم تمثیل آفتاب و ابر. ابر چیست؟ ابر معلول آفتاب است. آفتاب، آب دریا را بخار می‌کند و ابر تشکیل می‌شود. بنابراین، آفتاب علت ابر است. به‌همین ترتیب، خداوند متعال علت این انرژی مادی است که مانع می‌گردد او را مشاهده نماییم.

¹ *eka-deśa-sthitasāgner jyotsnā vistāriṇī yathā*

بدین طریق، دو انرژی در این دنیای مادی در حال عمل هستند: انرژی روحانی و انرژی مادی. انرژی مادی شامل هشت عنصر مادی است که به ترتیب از زمخت تا لطیف عبارتند از: خاک، آب، آتش، هوا، ائیر (ایتر)، ذهن، شعور و منیت کاذب. آب از خاک لطیف تر و آتش از آب لطیف تر است و به همین ترتیب.

بنابراین، هرچه عنصر لطیف تر باشد به همان نسبت قدرتمندتر است. به عنوان مثال، با سرعت ذهن، شما می‌توانید هزاران مایل را در یک ثانیه طی نمایید. اما حتی قدرتمندتر از ذهن، شعور و قوی تر از آن انرژی روحانی است. انرژی روحانی چیست؟ خداوند در بهاگاواد-گیتا (۵/۷) می‌فرماید: "اپاریام ایتاس تو انیام پراکرتیم ویدهی م پارام جیوا- بهوتام"^۱: "در ورای انرژی پست من - انرژی مادی - انرژی دیگری وجود دارد که روحانی روحانی است و موجودات زنده را شامل می‌شود."

ما موجودات زنده نیز انرژی هستیم؛ اما انرژی برتر. ما چگونه برتر هستیم؟ به این ترتیب که قادریم انرژی پست تر، یعنی ماده را کنترل نماییم. ماده، قدرت عملکرد خود به خود ندارد. یک هواپیمای بزرگ می‌تواند به زیبایی در آسمان به پرواز درآید، اما اگر انرژی روحانی - خلبان - نیاید و به آن دست نزنند، پرواز نخواهد کرد. پس در قبول وجود خداوند چه مشکلی وجود دارد؟ اگر دستگاه‌های عظیم بسیار زیادی وجود داشته باشد که بدون تماس انرژی روحانی، یعنی موجود زنده، قادر به حرکت نباشد، آنگاه چگونه می‌توانید استدلال نمایید که کل انرژی مادی خود به خود و بدون هیچ کنترلی عمل می‌نماید؟ چه کسی می‌تواند چنین بحث ابلهانه‌ای را عنوان نماید؟ از این رو، آنهایی که قادر به درک آن نیستند که این انرژی مادی چگونه توسط خداوند متعال کنترل

¹ *Apareyam itas tv anyām prakṛtiṁ viddhi me parām/ jīva-bhūtām*

می‌گردد، از شعوری پایین‌تر برخوردارند. انسان‌های بی‌خدا که عقیده دارند این انرژی مادی به‌طور خود به‌خود عمل می‌نماید، از شعور اندکی برخوردارند.

توضیح ایشوپانیشاد این است که "همه‌چیز، چه جاندار و چه بی‌جان، توسط شخصیت اعلای خداوند کنترل می‌شود و تحت مالکیت او قرار دارد." چون او کنترل‌کننده‌ی متعال است، مالک متعال نیز هست. در تجربه‌ی عملی ما مشاهده می‌نماییم فردی که یک مؤسسه‌ی تجاری را کنترل می‌نماید، مالک آن است. به‌طور مشابه، از آن‌جا که خداوند کنترل‌کننده‌ی این جهان مادی است، مالک آن نیز هست. این بدان معنی است که ما باید تا حد امکان، همه‌چیز را در خدمت خداوند به‌کار گیریم.

پس نیازها و احتیاجات ما چه می‌شود؟ در ایشوپانیشاد توضیح داده می‌شود که: "شخص باید تنها چیزهایی را بپذیرد که برایش ضروری است و همچون سهم وی، کنار نهاده شده است. بر اوست که بر چیزهای دیگر دست نیازد، چه به خوبی می‌داند که آنها متعلق به کیست." کریشناآگاهی یعنی درک مسایل، آن‌طور که هست. بنابراین ما به‌سادگی با درک این اصول، کاملاً در کریشناآگاهی قرار خواهیم گرفت.

موقعیت کریشنا

ایشوپانیشاد اظهار می‌دارد: "شخصیت اعلای خداوند گرچه در منزل‌گاه خویش مستقر است، با این‌وجود تیزتر از فکر و چالاک‌تر از هر دونده‌ای است. فرشتگان نیرومند را یارای نزدیکی به او نیست. با وجودی که خداوند در یک‌جا مستقر است، بر فراهم‌آوردندگان هوا و باران نظارت دارد. او در فضیلت از همه برتر است." برهما-سامهیتا نیز مشابه همین را بیان می‌نماید: "گولوکا اِوا نیواساتی آکھیلاتما بهوتاه^۱؛ با وجودی که

¹ goloka eva nivasaty akhīlātma-bhūtaḥ.

کریشنا همواره در "گولوکا ورینداوان"^۱ است، در عین حال در قلب‌های تمامی موجودات زنده قرار دارد.

کریشنا موظف به انجام رساندن هیچ کاری در گولوکا نیست. او تنها از مصاحبت با معاشرینش - گویی‌ها، پسران گاوچران، پدر و مادرش، گاوها و گوساله‌ها و... - لذت می‌برد. او کاملاً آزاد است و معاشرینش حتی از او هم آزادترند؛ زیرا هنگامی که به نظر می‌آید آنها در خطرند، کریشنا نگران نجات آنهاست و بدین ترتیب، معاشرینش دچار هیچ گونه نگرانی نمی‌شوند. آنها فقط می‌اندیشند: "کریشنا این‌جاست، او ما را حفظ خواهد نمود." هنگامی که کریشنا پنج‌هزار سال پیش در "ورینداوان"^۲ هند مشغول اجرای بازی‌های متعال خود بود، هر روز با دوستان گاوچران خود و گاوها و گوساله‌هایشان برای بازی به جنگل، و کناره‌ی رود "یامونا"^۳ می‌رفت. اغلب "کامسا"^۴ دیوی را می‌فرستاد تا کریشنا و دوستانش را نابود سازد. با این‌وجود پسران گاوچران بدون هیچ نگرانی از بازی‌های متعالشان لذت می‌بردند، زیرا از حفاظت کریشنا بسیار مطمئن بودند. این زندگی روحانی است که با تسلیم‌شدن به کریشنا آغاز می‌گردد.

تسلیم‌شدن به کریشنا، یعنی داشتن ایمان قوی به اینکه کریشنا ما را در هر موقعیت خطرناک حفظ خواهد نمود. گام نخست در تسلیم این است: ما باید آنچه را که برای خدمت عابدانه مطلوب است، بپذیریم؛ سپس باید هر آنچه را که برای خدمت عابدانه نامطلوب است، کنار بگذاریم. مرحله‌ی بعد، اطمینان به این مسئله است که کریشنا در هر موقعیتی ما را حفظ، و از ما حمایت خواهد نمود. در حقیقت او هم‌اکنون نیز در حال

¹ Goloka Vṛndāvana

² Vṛndavana

³ Yamunā

⁴ kāmśa

حفاظت و نگهداری از همگان است. این یک حقیقت است. با این وجود در "مایا"^۱ (توهم)، تصور می‌کنیم که خود حافظ خویش هستیم؛ یا اینکه این ما هستیم که خود را سیر می‌نماییم.

کریشنا شخصاً مسئولیتِ حفاظت و نگهداریِ عابدین را به‌عهده می‌گیرد. "مایا-دوی"^۲ - انرژی بیرونی کریشنا - این مسئولیت را برای موجودات زنده‌ی معمولی برعهده دارد. مایا-دوی، نماینده‌ی کریشنا برای مجازات ارواح مقید است. مشابه این وضعیت را می‌توانیم در یک کشور مشاهده نماییم. شهروندان خوب به‌طور مستقیم از سوی دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند، درحالی‌که مجرمین توسط دولت در زندان نگهداری می‌شوند. در زندان، دولت مواظب است تا به زندانی‌ها غذای کافی برسد و چنانچه دچار بیماری شوند، مورد معالجه قرار گیرند؛ دولت از آنها مواظبت می‌نماید اما به‌صورت تنبیهی.

مشابهاً، در این دنیای مادی، بدون تردید کریشنا برای مراقبت از ما تمهیداتی را مبذول می‌دارد؛ اما ترتیب مجازات ما را نیز داده است. اگر مرتکب گناهی گردید، سیلی می‌خورید. اگر مرتکب گناه دیگری شوید، آنگاه لگد می‌خورید. این جریان موسوم به رنج‌های سه‌گانه است: رنج‌های ناشی از بدن و ذهن ما، رنج‌های ناشی از دیگر موجودات و رنج‌های ناشی از بلایای طبیعت تحت نظارت خداوندگاران^۳. متأسفانه ما به‌جای درک این مطلب که به‌خاطر اعمال گناه‌آلودمان است که مجازات می‌شویم، تحت افسون مایا تصور می‌نماییم این لگد و سیلی و کتک تصادفی است. این توهم است.

¹ mayā

² Mayā-devi

³ demigods

به محض اینکه شما کریشنا آگاهی را آغاز نمایید، کریشنا شخصاً به حمایت از شما می‌پردازد. همان‌گونه که او در بهاگاواد-گیتا (۶۶/۱۸) قول می‌دهد: "من از تو مواظبت خواهم نمود، من تو را از تمامی واکنش‌های گناهان نجات خواهم داد. نگران نباش." چون ما زندگی‌های بسیار زیادی را در این دنیای مادی داشته‌ایم، در زیر توده‌ای از واکنش‌های گناهان، در حال رنج بردن هستیم. با این وجود، به محض اینکه به کریشنا تسلیم شوید، او فوراً از شما حمایت خواهد کرد و اثر تمامی واکنش‌های گناهانتان را خنثی خواهد نمود. کریشنا می‌فرماید: "درنگ نکن." تصور نکنید که: "من که گناهان بسیار زیادی را مرتکب شده‌ام، چگونه کریشنا می‌تواند مرا نجات دهد؟" خیر؛ کریشنا قدرتمند کل است. او قادر است شما را نجات دهد. وظیفه‌ی شما تسلیم شدن به او و وقف بی‌درنگ زندگی‌تان در خدمت به اوست. آنگاه بی هیچ تردید، کریشنا شما را نجات خواهد داد.

کریشنا: تناقضی ظاهری

ایشوپانیشاد اظهار می‌دارد: "خداوند متعال راه می‌رود و راه نمی‌رود. بسیار دور و در عین حال بسیار نزدیک است. در درون هر چیزی قرار دارد و در برون آن." کریشنا چگونه می‌تواند هم راه برود و هم راه نرود. به عنوان مثالی ساده، خورشید را در هنگام ظهر در نظر بگیرید که بر سرتان می‌تابد. اکنون چنانچه شما شروع به راه رفتن نمایید، خواهید دید که خورشید نیز همراه شما می‌آید. حدود چهل سال پیش و به هنگام تأهل، یک بار با پسر دومم، شب هنگام قدم می‌زدم. او چهارساله بود و ناگهان سؤال کرد: "پدر، چرا ماه، دنبال ما می‌آید؟" می‌بینید؟ خورشید و ماه در آسمان مستقر هستند، ولی به نظر می‌رسد که آنها با ما حرکت می‌کنند. مشابهاً، اگر شما سوار هواپیما یا قطار شوید، خواهید دید که

ماه یا خورشید حرکت می‌کنند. بنابراین، اگر چنین چیزی برای خورشید و ماه امکان‌پذیر باشد، چرا کریشنا نتواند همراه شما حرکت نماید؟ "گرچه او در مکانی بسیار دور مستقر شده است، اما در عین حال بسیار نزدیک است." به بیان دیگر، با وجودی که کریشنا در گولوکا و رینداوان و در حال لذت‌بردن از بازی‌های متعالی است که با معاشرینش انجام می‌دهد، در عین حال در همه‌جای این دنیای مادی نیز حضور دارد. بدین طریق خداوند متعال "راه می‌رود و راه نمی‌رود".

اگر کریشنا همان‌گونه که در گولوکا حضور دارد، در این‌جا حاضر نبود، چگونه می‌توانست غذایی را که عابدین به او تقدیم می‌نمایند، قبول نماید؟ فکر نکنید که کریشنا تقدیم‌های عابدین را نمی‌پذیرد. چنانچه شخصی چیزی را با عشق و عبودیت به او تقدیم نماید، او قادر است فوراً دست خود را دراز نماید. در بهاگاواد-گیتا (۲۶/۹) کریشنا می‌فرماید، "تاد آهام بهاکتی اوپاهریتام آشنامی"^۱: "هرگاه شخصی چیزی را با ایمان و عشق به من تقدیم نماید، آن را می‌پذیرم." برخی ممکن است بپرسند: "کریشنا که در گولوکا و رینداوان و بسیار دور از ماست. او چگونه می‌تواند غذای تقدیم‌شده را بخورد؟" بله؛ او آن را می‌پذیرد. بله؛ او آن را می‌خورد؛ به شرط اینکه با عشق تقدیم گردد.

بنابراین، کریشنا در همه‌جا حضور دارد و قادر است خود را فوراً در هر جایی متجلی نماید؛ ولی برای طلب حضور او باید واجد شرایط باشید. اگر شما واقعاً عابد باشید، کریشنا فوراً برای حفاظت از شما خواهد آمد. هیرانیا کاشی‌پوی دیو، پسرش "پراهلادا"^۲، عابد را با این پرسش مورد مؤاخذه قرار داد: "خدای تو کجاست؟ تو می‌گویی که او همه‌جا حضور دارد. آیا او در این ستون قصر من هم حضور دارد؟ آیا تو فکر می‌کنی خدای تو آن‌جا هم

¹ *Tad aham bhakty-upahṛtam aśnāmi*

² *Prahlāda*

باشد؟ اگر چنین است، من او را خواهم کشت." هیرانیا کاشی‌پو فوراً ستون را شکست. آنگاه کریشنا با فرم "نریشیمهادوا"^۱ - نیمه انسان و نیمه شیر - از ستون بیرون آمد و آن دیو را کشت. این است کریشنا.

بنابراین کریشنا قادر است در هر جایی خود را متجلی سازد، زیرا او در همه‌جا حضور دارد. این مطلب در ایشوپانیشاد توضیح داده می‌شود: "تاد آنتاراس یا سارواس یا تادو سارواس یاسیا باهیاتاها"^۲: "خداوند متعال در درون هر شیئی قرار دارد و در عین حال در برون آن." این "مانترا"^۳ی ودایی مدرکی است بر اینکه خداوند در همه‌جا حضور دارد. هرچه که در وداها گفته می‌شود، واقعیت است. چنانچه شما وداها را به‌عنوان حقیقتی مسلم نپذیرید، نمی‌توانید در کریشنا آگاهی پیشرفت نمایید. در ریاضیات نیز اصول موضوعه بسیاری وجود دارند. یک نقطه، طول و عرض ندارد و یا چیزهایی که با یک چیز سوم مساوی هستند، خود با یکدیگر مساوی‌اند. اینها حقایق بدیهی هستند و چنانچه بخواهیم ریاضیات را بیاموزیم، باید آنها را بپذیریم. مشابهاً، وداها نیز شامل حقایق بدیهی هستند و اگر بخواهیم پیشرفت روحانی داشته باشیم باید وداها را به‌عنوان بدیهیات بپذیریم.

بعضی اوقات به‌نظر می‌رسد که وداها متناقض هستند، با این وجود، ما همواره باید دستورات ودایی را قبول نماییم. به‌عنوان مثال، با توجه به دستور ودایی چنانچه شما استخوان حیوانی را لمس کنید فوراً ناپاک می‌شوید و باید استحمام نمایید. اما بوق صدفی، استخوان یک حیوان است که در مکان دیتی، یعنی جایی که باید کاملاً پاک باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. شما نمی‌توانید استدلال نمایید: "شما که گفتید

¹ *Nṛsimhadeva*

² *tad antarasya sarvasya tad u sarvasyāśya bāhyataḥ*

³ *Mantra*

استخوان ناپاک است و به محض اینکه آن را لمس نمایید، ناپاک می‌شوید. با این وجود، شما یک بوق صدفی را در مکان دیتی قرار می‌دهید؟ "خیر؛ جایی برای چنین بحثی وجود ندارد. شما باید بپذیرید؛ با وجود اینکه استخوان ناپاک است، بوق صدفی بسیار پاک است و می‌تواند در مکان دیتی استفاده گردد.

مشابهاً، شما باید دستور پیر روحانی را به‌عنوان امر مسلم بپذیرید. جای هیچ بحثی نیست. بدین طریق شما پیشرفت خواهید نمود. نمی‌توانید در مورد چیزهایی که شما را متقاعد نمی‌سازد بحث نمایید، زیرا با مجادله، شما با شکست مواجه خواهید شد. باید دستورات ودایی و دستورات پیر روحانی را به‌عنوان حقیقت مسلم قبول نمایید. این تعصب نیست، زیرا پیران روحانی پیشین ما این اصل را قبول نموده‌اند. چنانچه با پیر روحانی خود به جر و بحث پردازید، به نتیجه‌ای نخواهید رسید. جر و بحث، بی‌وقفه ادامه خواهد داشت. شما استدلالی می‌کنید، من استدلالی می‌کنم ... این روند صحیح نیست.

همان‌گونه که "ماهابهاراتا"^۱ می‌گوید، "تارکو پراتیشتها شروتایو ویبهی‌نا"^۲: منطق و بحث صرف هرگز نمی‌تواند به یک نتیجه‌ی قطعی بیانجامد. به دلیل کشورها و شرایط مختلف، یک کتاب مقدس با کتاب مقدس دیگر متفاوت است. همچنین، "ناساو ریشر یاسیا ماتام نا بهینام"^۳: در مورد پندارگرایی فلسفی باید بدانیم که فیلسوفی نظریه‌ای را عنوان می‌نماید، سپس فیلسوفی دیگر نظریه‌ای دیگر، و نظریه‌ها همواره یکدیگر را نقض می‌کنند. تا زمانی که شما فیلسوف دیگری را شکست ندهید، نمی‌توانید فیلسوفی مشهور گردید. این روند فلسفه است. از این‌رو شخص چگونه می‌تواند به حقیقت فلسفی

¹ Mahābhārata

² taro 'pratiṣṭhaḥ śrutayo vibhinnā

³ Nāsāv ṛṣir yasya mataṁ na bhinnam

قاطعی دست یابد. گفته شده است که: "دارماسیا تاتوام نیهیتام گوهایام"^۱: راز روند مذهبی در قلب‌های ارواح خودشناخته قرار دارد. اما چگونه می‌توانید آن را درک کنید؟ "ماهاجانو ینا گاتا سا پاتتهاها"^۲: شما باید از شخصیت‌های بزرگ روحانی پیروی نمایید. بنابراین ما سعی می‌کنیم که از خداوند کریشنا و خداوند چیتانیا پیروی نماییم؛ این کمال است. شما باید دستورات ودها را قبول نمایید و از تعلیمات پیر روحانی معتبری پیروی کنید؛ آنگاه موفقیت حتمی است.

خداوند و انرژی او - یکی و متفاوت

ایشوپانیشاد اظهار می‌دارد: "کسی که همواره تمامی موجودات زنده را همچون اخگرهای روحانی می‌بیند که از نظر جوهری با خداوند یکی هستند، داننده‌ی حقیقی امور است. پس چگونه توهم و نگرانی می‌تواند به او راه یابد؟" این نوع ادراک، کریشناآگاهی است. انواع مختلف ادراک وجود دارد؛ اما عابد کریشنا، این حقیقت را درک می‌نماید که ما از نظر جوهری با خداوند یکی، اما از نظر کمی با او متفاوت هستیم. غیرمتشخص‌گرایان تصور می‌نمایند که ما صددرصد با خداوند یا حقیقت مطلق متعال، یکی هستیم؛ اما این صحت ندارد. اگر ما صددرصد با خداوند متعال یکی هستیم، چگونه تحت کنترل مایا (توهم) واقع شده‌ایم؟ غیرمتشخص‌گرایان نمی‌توانند به این پرسش پاسخ گویند.

طبیعت حقیقی یکی‌بودن ما با متعال در نوشته‌های ودایی با تمثیلی از آتش و اخگرهای آن توضیح داده می‌شود. اخگرهای آتش از نظر جوهری با آتش یکسان، اما از نظر کمی با آن متفاوتند. وقتی جرقه‌ی کوچک آتش، آن را ترک می‌کند و در آب می‌افتد، خاصیت

¹ dharmasya tattvam nihitam guhāyām

² mahājano yena gataḥ sa panthāḥ

شعله‌ور بودنش از بین می‌رود. به‌طور مشابه، هنگامی که روح بی‌اندازه خُرد، معاشرت خداوند را ترک می‌نماید و با گونه‌ی جهل در ارتباط واقع می‌شود، خاصیت روحانی بودنش تقریباً خاموش می‌گردد. هنگامی که جرقه، به‌جای آنکه بر آب افتد بر روی زمین می‌افتد، مقداری از گرما را در خود حفظ می‌نماید. به‌همین ترتیب، وقتی موجود زنده در گونه‌ی شهوت باشد، امید آن هست که بتواند کریشناآگاهی خود را احیا نماید. چنانچه جرقه‌ی آتش روی علف خشک بیافتد، قادر است آتش دیگری ایجاد کند و تمامی ویژگی‌های مشتعل بودنش را دوباره به‌دست آورد. به‌طور مشابه، شخصی که در گونه‌ی نیکی باشد، می‌تواند بهره‌ی کامل را از معاشرت روحانی ببرد و به‌راحتی کریشناآگاهی خود را احیاء نماید. از این‌رو، فرد در این دنیای مادی باید به سکوی نیکی ارتقاء یابد. تمثیل آتش می‌تواند ما را در درک این مطلب که خداوند یکی و در عین حال متفاوت است و همچنین در درک انرژی‌های متنوع او، یاری نماید. آتش دو انرژی اصلی دارد: گرما و نور. هر کجا که آتش وجود دارد، گرما و نور نیز هست. گرما با آتش متفاوت نیست و نور نیز به‌همین ترتیب. با این‌وجود، گرما و نور آتش نیستند. کل کیهان نیز می‌تواند به‌همین طریق درک گردد. کیهان از انرژی‌های کریشنا ساخته شده است و بنابراین هیچ‌چیز با کریشنا متفاوت نیست. با این‌وجود، کریشنا از همه‌چیز در این کیهان مادی جداست.

از این‌رو، هرآنچه ما در جهان‌های مادی یا روحانی می‌بینیم چیزی جز بسط انرژی‌های گوناگون کریشنا نیست. این جهان مادی بسطی از انرژی بیرونی کریشنا "باهی‌رانگا شاکتی"^۱ و عالم روحانی بسطی از انرژی درونی او "آنتارانگا شاکتی"^۲ است، و ما موجودات

¹ *bahirāṅgā śakti*

² *Antarāṅgā śakti*

زنده بسطی از انرژی حاشیه‌ای او "تاتاستها شاکتی"^۱ هستیم. ما شاکتی، یعنی انرژی هستیم، نه منشاء انرژی.

فلاسفه‌ی مایاوادی می‌گویند: چون انرژی‌ها در خارج از برهمن منشاء انرژی قرار ندارند، پس تمامی آنها با برهمن یکسان هستند. این "وحدت‌گرایی"^۲ است. فلسفه‌ی "وایشناوای"^۳ ما این است که: انرژی با منشاء انرژی در عین حال هم یکسان و هم متفاوت است. مجدداً تمثیل گرما و آتش: هنگامی که شما گرمایی را حس می‌کنید، پی می‌برید که آتشی در آن نزدیکی وجود دارد. اما این بدان معنی نیست که چون شما گرما را حس می‌کنید، در آتش قرار دارید. بنابراین گرما و آتش، یعنی انرژی و منشاء انرژی یکی و در عین حال متفاوت هستند.

بنابراین فلسفه‌ی وحدت‌گرایی مایاوادا با فلسفه‌ی وحدانیت وایشناوای ما تفاوت دارد. مایاوادی‌ها می‌گویند برهمن حقیقت است؛ اما انرژی ناشی از برهمن دروغین است. ما می‌گوییم چون برهمن حقیقی است، انرژی‌اش نیز باید حقیقی باشد. این تفاوت بین فلسفه‌ی مایاوادا و فلسفه‌ی وایشناوا است. شخص نمی‌تواند ادعا کند که این انرژی مادی واقعیت ندارد؛ اگرچه به‌طور یقین موقتی است. فرض کنید ما دچار مشکلی شویم. مشکلات بسیاری وجود دارد که مربوط به بدن و ذهن و وقایع بیرونی هستند. مشکلات می‌آیند و می‌روند؛ اما هنگامی که ما دچار آنها می‌شویم، یقیناً واقعی هستند. ما نتیجه را حس می‌کنیم و نمی‌توانیم بگوییم که واقعی نیست. فلاسفه‌ی مایاوادی می‌گویند که اینها واقعیت ندارد؛ پس چگونه آنها هنگامی که با مشکلی روبرو می‌شوند، دچار آشفتگی می‌گردند؟ خیر؛ هیچ کدام از انرژی‌های کریشنا غیرواقعی نیست.

¹ *Tatastha śakti*

² *Monism*

³ *Vaiṣṇava*

ایشوپانیشاد از واژه‌ی "ویجاناتاها"^۱ - کسی که می‌داند - استفاده می‌نماید تا شخصی را که یکی بودن و در عین حال متفاوت بودن خداوند و انرژی‌های او را درک می‌کند، توصیف نماید. اگر کسی ویجاناتاها نباشد، در توهم و رنج باقی خواهد ماند. اما برای کسی که واقف است، نه توهمی وجود دارد و نه اندوهی. هنگامی که شما کاملاً متقاعد می‌شوید هیچ چیز جز کریشنا و انرژی‌های او وجود ندارد، آنگاه برای شما توهم و تأسفی وجود نخواهد داشت. این مرحله به‌عنوان مرحله‌ی "برهما- بهوتا"^۲ شناخته می‌شود. همان‌گونه که در بهاگاواد-گیتا (۵۴/۱۸) توضیح داده شده است: "برهما- بهوتا پراساناتما نا شوچاتی نا کانکشاتی"^۳: "فردی که به بلندای درک برهمن نایل می‌آید، در سرور کامل واقع می‌گردد و هرگز شکوه و تأسفی ندارد و خواهان چیزی نیست."

ما بسیار مشتاق هستیم تا برای ارضای حواس خود چیزهایی را که نداریم، به‌دست آوریم؛ این خواسته و آرزومندی است. از طرف دیگر هنگامی که چیزی را از دست می‌دهیم، اظهار شکوه و تأسف می‌نماییم؛ اما اگر بدانیم که کریشنا منشأ و مالک تمامی انرژی مادی است، درک می‌کنیم که همه چیز به او تعلق دارد و هر چیزی که به‌دست می‌آید، از سوی خود او و برای خدمت به خودش اعطا می‌گردد. در این صورت، دیگر مشتاق مادیات این دنیا نخواهیم بود. علاوه بر این، اگر کریشنا چیزی را بگیرد، دیگر چه جای تأسف و شکوه است؟ ما باید فکر کنیم: "کریشنا خواسته است این را از من بگیرد. بنابراین چرا باید متأسف باشم؟ خداوند متعال، علت‌العلل است. او هم می‌گیرد و هم می‌دهد." هنگامی که فرد این چنین در دانش کامل باشد، دیگر نه تأسفی برایش وجود

¹ vijānataḥ

² Brahma- bhūtā

³ brahma-bhūtāḥ prasannātmā na śocati na kāṅkṣati

خواهد داشت و نه آرزومند چیزی خواهد بود. این است بلندای روحانی. آنگاه شما می‌توانید هرکس را به‌عنوان اخگری روحانی، جزء لاینفک کریشنا و خادم ابدی او ببینید.

کریشنا، پاک متعال

ایشوپانیشاد بیان می‌دارد که خداوند بزرگ‌ترین و والاترین، جسم‌نیافته، دانای کل، سرزنش‌ناپذیر، فاقد رگ و پی، و منزّه و پاک است. هیچ گناهی کریشنا را آلوده نمی‌سازد. گاهی افراد کم‌شعورتر کریشنا را چنین مورد انتقاد قرار می‌دهند: "چرا کریشنا در رقص "راسا"^۱ شرکت کرد و با همسران مردان دیگر در نیمه‌شب به کام‌جویی پرداخت؟" کریشنا، خداست. او مختار است هر کاری را که دوست دارد انجام دهد. قوانین شما نمی‌تواند کریشنا را محدود سازد. برای شما قوانین محدودکننده‌ی بسیاری وجود دارد، اما برای کریشنا هیچ قانون محدودکننده‌ای وجود ندارد. او در ورای تمامی قواعد و قوانین است.

" ماهاراج پاریکشیت"^۲ از "شوکادوا گوسوامی"^۳ همین پرسش را نمود: "کریشنا آمد تا اصول اخلاقی و دین را برقرار سازد. پس چرا با بسیاری از دختران جوانی که همسر اشخاص دیگری بودند، به کام‌جویی پرداخت؟ این بسیار گناه‌آلود به نظر می‌آید." شوکادوا گوسوامی پاسخ داد که کریشنا نمی‌تواند توسط گناه آلوده گردد، بلکه هرکس که با کریشنا در تماس واقع شود، حتی اگر ذهنی آلوده داشته باشد نیز پاک می‌گردد. خورشید مثال خوبی است؛ خورشید آلوده نمی‌شود، بلکه چنانچه چیزی آلوده در معرض نور آن واقع شود، پاک می‌گردد. به‌طور مشابه، شما هم ممکن است با خواسته‌های مادی به

¹ *rasa*

² *Parīkṣit Mahārāj*

³ *Śukadeva Gosvāmī*

سوی کریشنا روید، ولی پاک خواهید شد. البته احساس گویی‌ها نسبت به کریشنا به هیچ‌وجه مادی نیست؛ با این وجود، آنها به‌عنوان دخترانی جوان، مسحور زیبایی او بودند. آنها با این خواسته به سوی کریشنا رفتند که او معشوقشان شود؛ اما در حقیقت پاک شدند. حتی دیوها نیز می‌توانند با برقراری رابطه با کریشنا پاک گردند. به‌طور مثال، کامسای دیو به کریشنا به‌عنوان دشمن خود فکر می‌کرد. اما او نیز کریشنا‌آگاه بود، زیرا همواره در این فکر بود که: "چگونه می‌توانم کریشنا را پیدا کنم؟ من او را نابود خواهم کرد." هرچند تفکر او دیوصفتانه بود، اما او نیز پاک شد و نجات پیدا کرد.

نتیجه اینکه، چنانچه ما بتوانیم به‌نحوی کریشنا‌آگاهی خود را تکامل بخشیم، فوراً از تمامی خواسته‌های گناه‌آلود پاک خواهیم شد. کریشنا به همه این فرصت را می‌دهد.

ورای محدوده‌ی بدن

هنگامی که ایشوپانیشاد در مورد خداوند متعال توضیح می‌دهد، بیان می‌دارد که: "او بزرگ‌ترین و والاترین همه، جسم‌نایافته و دانای کل است." این مطلب تفاوت بین خداوند و ما را نشان می‌دهد. ما دارای بدن هستیم، بنابراین بدن من با خود من تفاوت دارد. هنگامی که من این بدن را ترک کنم، به خاک تبدیل می‌گردد. همان‌گونه که انجیل می‌گوید: "تو خاک هستی و به خاک بازخواهی گشت." اما من خاک نیستم. من یک روح هستم. بنابراین در این جا تو، یعنی "بدن".

کریشنا بدن ندارد. این بدان معنی است که تفاوتی بین بدن و روح او وجود ندارد. به بیان دیگر، بدن خداوند روح ناب است. از این رو، او بدنش را تغییر نمی‌دهد، و چون بدنش را تغییر نمی‌دهد، دانای کل است؛ زیرا همه‌چیز را به‌خاطر می‌آورد. ما چون بدن‌های مادی خود را عوض می‌کنیم، آنچه را که در تولد پیشین خود رخ داده است، فراموش می‌نماییم.

ما فراموش کرده‌ایم که چه کسی بودیم؛ درست مانند هنگامی که می‌خواستیم و بدن خود و اطراف خود را از یاد می‌بریم. بدن خسته می‌شود، استراحت می‌کند و غیرفعال می‌گردد. ولی در عالم رؤیا، من کاری را انجام می‌دهم، به جایی می‌روم، پرواز می‌نمایم، بدنی دیگر و محیطی دیگر به وجود می‌آورم. ما این را هر شب تجربه می‌نماییم؛ درک این مسئله مشکل نیست.

به‌طور مشابه، ما در هر زندگی محیط متفاوتی را پدید می‌آوریم. در این زندگی ممکن است تصور کنم که هندی هستم، اما در زندگی بعد ممکن است هندی نباشم و آمریکایی باشم؛ اما حتی اگر آمریکایی هم شوم، ممکن است انسان نباشم و گاو باشم و آنگاه به کشتارگاه فرستاده خواهم شد. آیا متوجه مشکل هستید؟

مسئله این است که ما زندگی پس از زندگی همواره در حال تعویض بدن هستیم. این یک مسئله‌ی جدی است. ما موقعیت ثابتی نداریم. نمی‌دانیم که در کجای ۸/۴۰۰/۰۰۰ گونه‌ی طبیعت واقع خواهیم شد؛ اما یک راه‌حل وجود دارد: اگر شخصی به نحوی کریشناآگاهی ناب را در خود به‌وجود آورد، در هنگام مرگ به نزد کریشنا خواهد رفت و در آن صورت مجبور نیست مجدداً یک بدن مادی بپذیرد. او بدنی روحانی مشابه بدن کریشنا می‌گیرد؛ سرشار از ابدیت، دانش و شرف.

از این‌رو، ما باید کریشناآگاهی را آغاز، و آن را با جدیت و بدون انحراف اجرا نماییم. ما نباید تصور کنیم که کریشناآگاهی نوعی مُد است. خیر؛ این مهم‌ترین وظیفه‌ی هر انسان است. زندگی بشری تنها برای رسیدن به کریشناآگاهی است. شخص وظیفه‌ی دیگری ندارد.

متأسفانه، انسان‌ها در تمدن امروزی به‌قدری مشغولیت‌های متنوع دیگر برای خویش ایجاد نموده‌اند که در حال فراموش کردن کریشناآگاهی هستند. این، مایا یا توهم نامیده

می‌شود. آنها وظیفه‌ی واقعی خود را فراموش می‌نمایند و رهبران نادان و کور، همه را به‌سوی جهنم رهنمون می‌گردند. آنها گمراه‌کنندگانی بیش نیستند. هرچند مردم دوست ندارند کسی را به‌عنوان مرجع بپذیرند، ولی آنها این نادانان را به‌عنوان رهبر می‌پذیرند و گمراه می‌گردند. بدین طریق، هم رهبران نادان و هم پیروان بد اقبال آنها، در بند قوانین سخت طبیعت مادی باقی می‌مانند.

از این‌رو، چنانچه شخص به نحوی با کریشنا در ارتباط قرار گیرد، باید با جدیت روند کریشناگاهی را ادامه دهد و بسیار محکم به قدوم نیلوفرین خداوند چنگ زند. اگر قدوم نیلوفرین کریشنا را بسیار محکم نگه دارید، مایا قادر به آسیب‌رساندن به شما نخواهد بود.

آموزش روحانی و مادی

ایشوپانی‌شاد بیان می‌دارد: "آن‌ان که به اکتساب جهل مشغولند، به تاریک‌ترین وادی جهل قدم خواهند نهاد." دو نوع آموزش وجود دارد: مادی و روحانی. آموزش مادی "جا‌دا-ویدیا"^۱ نامیده می‌شود. جا‌دا، یعنی "آن چیزی که نمی‌تواند حرکت کند"، یا ماده. روح قادر است حرکت نماید. بدن ما مجموعه‌ای از روح و ماده است. تا هنگامی که روح وجود دارد، بدن حرکت می‌کند. به‌عنوان مثال، کت و شلوار یک فرد تا هنگامی متحرک است که بر تن باشد. در ظاهر به‌نظر می‌رسد که کت و شلوار به اختیار خود حرکت می‌کند، اما در حقیقت این بدن است که آن را به حرکت در می‌آورد. به‌طور مشابه، این بدن حرکت می‌کند چون روح آن را به حرکت می‌اندازد. مثال دیگر، اتومبیل است. اتومبیل حرکت می‌کند، چون راننده آن را به حرکت وا می‌دارد. تنها یک فرد ابله تصور می‌نماید که

¹ jaḍa-vidyā

اتومبیل به اختیار خود حرکت می‌کند. حتی با تدابیر مکانیکی حیرت‌آور نیز اتومبیل به اختیار خود قادر به حرکت نخواهد بود.

از آنجایی که به مردم تنها جادا- ویدیا، آموزش مادی، آموخته می‌شود، آنها تصور می‌کنند که طبیعت مادی به‌طور خود به‌خود عمل می‌کند، حرکت می‌نماید و بسیاری پدیده‌های شگفت‌انگیز را متجلی می‌سازد. هنگامی که ما در کنار دریا هستیم، حرکت موج‌ها را مشاهده می‌نماییم، اما موج‌ها خود به‌خود حرکت نمی‌کنند. هوا آنها را به حرکت وا می‌دارد و چیز دیگری خودِ هوا را. بدین طریق، اگر شما تمامی مسیر را تا علت غایی به عقب برگردید، کربشنا، علت‌العلل، را خواهید یافت. این، آموزش واقعی است: جستجوی علت غایی.

از این رو ایشوپانیشاد اظهار می‌دارد: آنهايي که توسط عملکردهای برونی انرژی مادی مسحور می‌شوند، جهل را می‌پرستند. در تمدن امروزی، مؤسسه‌های بسیار بزرگی برای درک تکنولوژی یعنی چگونگی حرکت اتومبیل یا هواپیما، وجود دارد. آنها چگونگی تولید انواع ماشین‌آلات را بررسی می‌نمایند. اما هیچ مؤسسه‌ی آموزشی وجود ندارد که در مورد چگونگی حرکت روح تحقیق، و محرک واقعی را بررسی نماید. در عوض، آنها تحرکات برونی ماده را بررسی می‌کنند.

هنگامی که من در "مؤسسه‌ی تکنولوژی ماساچوست"¹ سخنرانی می‌کردم، از دانشجویان پرسیدم: "کجاست آن تکنولوژی که روح - محرک بدن - را مورد بررسی قرار دهد؟" آنها چنین تکنولوژی را در اختیار نداشتند و نتوانستند جواب رضایت‌بخشی بدهند؛ زیرا آموزش آنها تنها جادا- ویدیا بود. ایشوپانیشاد اظهار می‌دارد: "آن‌هایی که در پیشبرد چنین آموزش مادی سهیم هستند، به تاریک‌ترین وادی جهل قدم خواهند نهاد." بنابراین،

¹ Massachusetts Institute of Technology (MIT)

تمدن حاضر در وضعیت بسیار خطرناکی قرار دارد؛ زیرا در هیچ‌جای این جهان، امکاناتی برای آموزش روحانی حقیقی وجود ندارد. بدین‌طریق جامعه‌ی بشری در حال رانده‌شدن به تاریک‌ترین وادی جهل است.

"شریلا بهاکتی‌وینودا تهاکورا"^۱ در شعری بیان می‌دارد که آموزش مادی تنها بسطی از مایاست. ما هرچه بیشتر در آموزش مادی پیشرفت نماییم، به‌همان نسبت توانایی ما در درک خداوند محدود خواهد شد و سرانجام به صراحت خواهیم گفت که: "خدا مرده است." این تماماً جهل و تاریکی است.

از این‌رو، بدون شک مادی‌گرایان به‌سوی تاریکی رانده می‌شوند. اما گروه‌های دیگری نیز وجود دارند - به‌اصطلاح فلاسفه، پندارگرایان ذهنی، "مذهبیون"^۲ و یوگیان - که به‌علت نافرمانی از خداوند به تاریکی بس عظیم‌تری قدم می‌نهند. آنها وانمود می‌کنند که به کسب دانش روحانی مشغولند، اما چون هیچ‌گونه اطلاعی در مورد کریشنا یا خداوند ندارند، آموزش‌های آنها حتی خطرناک‌تر از آموزش‌های مادی‌گرایان تمام‌عیار است؛ چرا؟ زیرا این افراد، مردم را به بیراهه می‌کشاند و دچار این تصور اشتباه می‌نمایند که به آنها دانش روحانی واقعی آموخته می‌شود. آنها با آموزش روش به‌اصطلاح یوگا، انسان‌ها را گمراه می‌نمایند: "کافیست مراقبه"^۳ نمایید، آنگاه پی می‌برید که خدا هستید." کریشنا هرگز برای اینکه خدا شود، مراقبه نکرد. او از بدو تولدش خدا بود. هنگامی که یک کودک سه‌ماهه بود، "پوتانای"^۴ دیو به او حمله نمود و کریشنا جان او را به‌همراه شیر پستانش مکید. بنابراین کریشنا از همان ابتدا، خدا بود. این، خداست.

¹ Śrīla Bhaktivinoda Ṭhākura

² مراد از این گروه در ادامه توضیحات مشخص شده است. (م)

³ Meditation

⁴ Pūtana

مطلب بی‌اساسی را که این به اصطلاح یوگیان آموزش می‌دهند این است که: "ساکن و ساکت گردید، آنگاه خدا می‌شوید." چگونه من می‌توانم ساکن و ساکت باشم؟ آیا امکانی برای این امر وجود دارد؟ خیر؛ چنین امکانی وجود ندارد. "بدون خواسته شوید، آنگاه خدا خواهید شد." چگونه می‌توانم بدون خواسته شوم؟ اینها همه حرف‌های توخالی هستند. ما نمی‌توانیم بدون خواسته باشیم. ما نمی‌توانیم ساکت باشیم. اما خواسته‌ها و اعمالمان می‌توانند پاک گردند. این دانش واقعی است. خواسته‌ی ما باید آن باشد که فقط به کریشنا خدمت کنیم. این پاک کردن خواسته است. به جای سعی برای سکون و سکوت، باید اعمالمان را در خدمت به کریشنا به کار گیریم. ما به عنوان موجوداتی زنده، دارای اعمال، خواسته‌ها، و گرایش به عشق هستیم؛ اما آنها در حالت انحراف یافته‌ی خود قرار دارند. کمال آموزش آن است که آنها را در خدمت کریشنا به کار گیریم.

ما نمی‌گوییم که شما نباید در آموزش مادی پیشرفت نمایید. شما می‌توانید این کار را بکنید، ولی باید در عین حال کریشنا آگاه شوید. این پیام ماست. ما نمی‌گوییم که نباید اتومبیل بسازید. خیر؛ ما می‌گوییم: "خوب، شما که این اتومبیل‌ها را ساخته‌اید، اکنون آنها را در خدمت کریشنا قرار دهید." این پیشنهاد ماست.

بنابراین، آموزش ضروری است؛ اما اگر تنها مادی باشد، یعنی عاری از کریشنا آگاهی، آنگاه بسیار بسیار خطرناک می‌شود؛ این توصیه‌ی ایشوپانیشاد است.

دانش در قیاس با جهل

ایشوپانیشاد می‌گوید: "دانایان توضیح داده‌اند که کسب دانش را نتیجه‌ای است و کسب جهل را نتیجه‌ای دگر." همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد، کسب واقعی دانش یعنی

پیشبرد دانش روحانی، و پیشبرد دانش در جهت کسب آسایش‌های بدنی یا حفظ آن، پرورش جهل است؛ زیرا به هر میزان برای حفاظت از این بدن تلاش نمایید، باز هم بدن روند طبیعی خود را ادامه خواهد داد. این روند طبیعی چیست؟ تولد و مرگ مکرر و بروز بیماری و پیری در بدن. انسان‌ها در هر لحظه شاهد رو به زوال رفتن بدن می‌باشند؛ با این وجود به شدت مشغول کسب دانش بدنی هستند. هنگام تولد بدن، مرگ آن نیز رقم خورده است. این یک واقعیت است. بنابراین شما قادر نیستید روند طبیعی این بدن، یعنی تولد، پیری، بیماری و مرگ را متوقف سازید.

شریماد- بهاگواتام (۱۳/۸۴/۱۰) می‌گوید: "این بدن چیزی نیست جز کیسه‌ای شامل سه عنصر اولیه - بلغم، صفرا و هوا - و کسی که خود را به‌عنوان این مجموعه‌ی بلغم، صفرا و هوا بپذیرد، نادان است. حتی فلاسفه‌ی بزرگ و دانشمندان نیز خود را مجموعه‌ای از این بلغم، صفرا و هوا می‌پندارند؛ این اشتباه آنهاست. در حقیقت فلاسفه و دانشمندان، روح هستند و با توجه به کارمایشان، استعداد خود را به نمایش می‌گذارند. آنها قانون کارما را درک نمی‌کنند.

چرا این همه شخصیت‌های مختلف یافت می‌شوند؟ اگر انسان‌ها چیزی نیستند جز مجموعه‌ای از بلغم و صفرا و هوا، پس چرا همه مانند هم نیستند؟ یک انسان، میلیونر متولد می‌شود و دیگری به‌رغم کوشش بسیار شدید، قادر نیست دو وعده غذای کامل در روز بخورد. چرا این اختلاف وجود دارد؟ به‌علت قانون کارما؛ قانون عمل و عکس‌العمل. شخصی که این راز را درک می‌نماید، در دانش قرار دارد.

زندگی انسانی برای درک راز حیات است و شخصی که از این فرم انسانی برای این منظور استفاده نمی‌کند، یک کریبانا^۱ یا فرومایه است؛ این در "گارگا اوپانیشاد"^۱ گفته شده

^۱ kṛpāna

است. چنانچه شما یک میلیون دلار به دست آورید و از آن استفاده ننمایید و فکر کنید: "من این موجودی بانکی یک میلیون دلاری را همواره حفظ خواهم نمود"، یک کریپانا هستید. شما نمی‌دانید چگونه از پول خود استفاده نمایید. از سوی دیگر، فردی که از یک میلیون دلار خود استفاده می‌نماید تا یک میلیون دلار دیگر هم به دست آورد، باهوش است. مشابهاً، این بدن انسانی بسیار ارزشمند است. شخصی که از آن برای کسب دانش روحانی استفاده می‌نماید، یک "براهمانا"^۲ یا یک انسان عاقل است و فردی که از آن برای کسب دانش مادی استفاده می‌نماید، یک کریپانا یا فرومایه است. این تفاوت بین براهمانا و کریپانا است.

فردی که از این بدن همانند سگ و گربه برای ارضای حواس استفاده می‌نماید، فرومایه است. او نمی‌داند چگونه یک میلیون دلارش را به کار گیرد. از این‌رو، این وظیفه‌ی پدر، مادر، دولت و معلمان است که از همان آغاز زندگی، آموزش روحانی را برای وابستگان خود تدارک ببینند. در واقع شریما-بهاگواتام می‌فرماید که شخص تا هنگامی که قادر نیست وابستگان خود را به بلندای دانش روحانی - که می‌تواند آنها را از تولد و مرگ مکرر نجات بخشد - ارتقا دهد، نباید پدر، مادر، مربی و یا صاحب مقام دولتی گردد.

راه شناخت خداوند

در سلسله‌ی پیران ودایی، معلمان روحانی همواره اظهارات خود را بر مبنای آنچه از منابع موثق شنیده‌اند، استوار می‌گردانند؛ نه بر پایه‌ی تجربه‌ی شخصی. سعی برای درک مسائل توسط تجربه‌ی مستقیم شخصی، روند مادی کسب دانش است که از نظر فنی

¹ Garga Upaniṣad

² brāhmaṇa

"پراتیاکشا"^۱ نامیده می‌شود. روش ودایی متفاوت است و شروتی^۲ نام دارد؛ یعنی "شنیدن از منابع موثق". این رازِ درک وداهاست.

شما نباید سعی کنید با حواسِ ناقص خود چیزهایی را که در ورای توان تجربی شما قرار دارند، درک نمایید. چنین چیزی غیرممکن است. فرض کنید می‌خواهید بدانید که پدرتان کیست. آیا می‌توانید با تجربه این مطلب را کشف نمایید؟ آیا ممکن است؟ خیر؛ پس چگونه می‌توانید بفهمید پدرتان کیست؟ توسط شنیدن از یک مرجع مناسب؛ مادرتان. این یعنی عقل سلیم. چنانچه شما نتوانید پدر مادی خود را از طریق روند تجربی بشناسید، چگونه می‌توانید پدر متعال را از این طریق مورد شناسایی قرار دهید؟ کریشنا پدر اصلی است. او پدرِ پدرِ پدران بسیاری است که تا پدر خود شما ادامه می‌یابند. بنابراین اگر شما از طریق روند تجربی نتوانید به پدر بی‌واسطه‌ی خود و نسل قبلی پی ببرید، چگونه می‌توانید خداوند، کریشنا، را بدین طریق شناسایی نمایید.

انسان‌ها از طریق روند تجربی در جستجوی خداوند هستند، اما بعد از تحقیقات زیاد با شکست مواجه می‌شوند. آنگاه می‌گویند: "خدایی وجود ندارد، من خدا هستم." اما طبق گفته‌ی ایشوپانیشاد، شخص باید بکوشد تا در مورد خداوند بیاموزد؛ اما نه از طریق روند تجربی، بلکه از راه شنیدن. شخص باید از چه کسی بشنود؟ از یک مغازه‌دار؟ از یک انسان متعصب؟ خیر؛ شخص باید از آن افرادی بشنود که دهیرا^۳ هستند. دهیرا، یعنی کسی که حواسش توسط عوامل مادی آشفته نمی‌شود.

انواع مختلف آشفته‌گی وجود دارد: آشفته‌گی‌های ذهن، قدرت سخن‌گویی، خشم و آشفته‌گی‌های زبان و شکم و اندام‌های تناسلی. هنگامی که ما خشمگین می‌شویم،

¹ pratyakṣa

² śruti

³ dhīra

همه چیز را فراموش می‌کنیم و چرندیات زیادی را بر زبان جاری می‌سازیم و امکان دارد به هر کار نامعقولی نیز مبادرت ورزیم. برای تحریک زبان تبلیغات بسیاری وجود دارد: "بفرمایید مشروبات الکلی بنوشید! بفرمایید جوجه و گوشت گاو میل کنید!" آیا ما بدون مشروب، جوجه یا گوشت گاو از بین می‌رویم؟ خیر؛ کریشنا به افراد بشر خوراکی‌های بسیار خوبی چون غلات، میوه و شیر را عطا نموده است.

گاو، شیر را که غذای مناسب انسان‌هاست، نه برای خود بلکه برای آنها و به مقدار فراوان تولید می‌نماید. خداوند می‌فرماید: "سرکار خانم گاو، با وجود اینکه شما شیر را تولید می‌کنی، نمی‌توانی از آن بنوشی. آن شیر برای استفاده‌ی انسان‌هاست که پیشرفته‌تر از حیوانات هستند." البته در مرحله‌ی کودکی، حیوانات، تنها از شیر مادر تغذیه می‌کنند؛ بنابراین، گوساله‌ها هم مقداری از شیر گاو را می‌نوشند. اما گاو مقدار زیادتری شیر می‌دهد و آن مقدار بیشتر، به‌طور خاص برای استفاده‌ی ماست.

ما باید هر آنچه را که خداوند به‌عنوان غذای مناسب برای ما مقدر فرموده است، بپذیریم؛ و به‌علت تحریک زبان فکر نکنیم که: "چرا باید به خوردن غلات، لبنیات و سبزیجات و میوه‌ها قانع باشم؟ باید کشتارگاهی داشته باشم و به کشتار گاوها بپردازم. باید پس از آنکه شیر گاوها را همچون شیر مادر خود نوشیدم، آنها را برای ارضای زبانم بکشم." شما نباید چنین افکار بیهوده‌ای را در سر پیوروانید، بلکه باید از دهیراها یا سوامی^۱ها که حواس خود را مهار نموده‌اند، بشنوید. سوامی یا گوسوامی کسی است که بر شش نوع عامل آشفته‌کننده، یعنی: کلام، ذهن، خشم، زبان، شکم و اندام تناسلی تسلط یافته است.

¹ Swami

شعر زیبایی از کالی‌داسا^۱ وجود دارد به نام "کومارا-سامبهاوا"^۲ که چگونگی دهی‌را بودن خداوندگار شیوا^۳ را توضیح می‌دهد. هنگامی که همسر خداوندگار شیوا، ساتی^۴، شنید که در مراسم قربانی‌ای که از سوی پدرش انجام شده، شیوا مورد اهانت واقع گشته است، خودکشی نمود. خداوندگار شیوا از شنیدن خبر خودکشی همسرش بسیار خشمگین شد و این کره را ترک کرد تا در جایی دیگر به مراقبه بنشیند. در آن هنگام جنگی بین فرشتگان و دیوان برپا بود و فرشتگان به یک فرماندهی خوب نیاز داشتند. آنها به این نتیجه رسیدند که اگر خداوندگار شیوا صاحب پسری شود، آن پسر قادر خواهد بود تا آنها را در جنگ با دیوان رهبری کند. خداوندگار شیوا در هنگام مراقبه کاملاً لخت بود. بنابراین پارواتی^۵، ظهور ساتی، به آن‌جا فرستاده شد تا به‌منظور آمیزش جنسی او را تحریک نماید؛ اما شیوا تحریک نشد و آرام باقی ماند. در این مورد کالی‌داسا بیان می‌دارد: "این یک دهی‌را است؛ او عریان است و دختری جوان اندام تناسلی او را لمس می‌نماید، با این‌وجود او تحریک نمی‌شود."

دهی‌را یعنی کسی که حتی با وجود محرک، تحریک نمی‌شود. اگر مقداری غذای بسیار خوشمزه وجود دارد، زبان من نباید به چشیدن آن تحریک شود. اگر دختر یا پسر بسیار زیبایی وجود دارد، من نباید از نظر جنسی تحریک شوم. بدین‌طریق، دهی‌را قادر است این شش نیروی تحریک‌کننده را که در بالا ذکر شد، مهار نماید. این بدان معنی نیست که خداوندگار شیوا از نظر جنسی ناتوان بود؛ او یک دهی‌را بود. مشابهاً، کریشنا با دختران بسیاری رقصید، اما هیچ‌گونه میل جنسی در میان نبود.

¹ *kālidāsa*

² *Kumāra-sambhava*

³ *Śiva*

⁴ *sati*

⁵ *Pārvatī*

از این رو، شما باید از شخصی که دهیراست، بشنوید. چنانچه از آدهیرا^۱، یعنی کسانی که بر خود تسلط ندارند، بشنوید، آنگاه هر دانشی که بیاموزید بی‌فایده خواهد بود. در ایشوپانیشاد، رهرو نزد پیر روحانی خود آمده است تا از او پرسش نماید و پیر روحانی می‌گوید: "این چیزی است که من از منابع موثق شنیده‌ام." پیر روحانی چیزی را از تجربه‌ی شخصی خود ابداع نمی‌نماید. او دقیقاً آنچه را که شنیده است، ارائه می‌دهد. بنابراین، ما نیازی به تحقیق نداریم. همه‌چیز موجود است. تنها باید از شخص دهیرا، یعنی کسی که توسط شش عامل مذکور تحریک نمی‌گردد، بشنویم؛ این روند ودایی کسب دانش است و چنانچه سعی کنیم که از روندی دیگر پیروی نماییم، در جهل باقی خواهیم ماند.

ایشوپانیشاد اظهار می‌دارد: "تنها آن که قادر است به عملکرد جهل و دانش متعال در کنار یکدیگر واقف باشد، می‌تواند از سلطه‌ی تولد و مرگ پیاپی آزاد، و از خجستگی کامل جاودانگی بهره‌مند گردد." مردم درک نمی‌کنند که جاودانگی چیست. آنها تصور می‌کنند که این اعتقادی افسانه‌ای است. آنها از پیشرفت دانش خود مغرورند؛ اما چیزهای بسیاری وجود دارد که نمی‌دانند و با شیوه‌ی امروزی آزمایش و تجربه، قادر به دانستن آنها نخواهند بود.

از این رو، اگر دانش واقعی را می‌خواهید، باید دانش را از نوشته‌هایی که به‌عنوان ودا شناخته می‌شوند، کسب نمایید. واژه‌ی ودا، یعنی دانش. یکصد و هشت اوپانیشاد به‌عنوان بخشی از وداها محسوب می‌شوند که یازده عدد از آنها بسیار مهم هستند. از میان این یازده اوپانیشاد، ایشوپانیشاد در مرتبه‌ی اول قرار دارد. در واژه‌ی اوپانیشاد، "اوپا"^۲، یعنی

¹ *adhira*

² *upa*

نزدیک. بنابراین، دانشی که در ایشوپانیشاد است، شما را به کریشنا نزدیک تر خواهد نمود.

در جامعه‌ای فهیم، وداها به‌عنوان شروتی یا مدرک اصلی مورد قبول واقع می‌شوند. وداها دانش ساخته و پرداخته‌ی تحقیق ارواح مقید و آلوده نیستند. چنین افرادی دارای حواسی ناقص هستند و بنابراین نمی‌توانند مسائل را همان‌گونه که هست، ببینند. آنها تنها نظریه‌پردازی می‌نمایند: "ممکن است این‌طور باشد، ممکن است آن‌طور باشد." این دانش نیست. دانش، متقن است؛ بدون هیچ شک و اشتباه. ارواح مقید مرتکب اشتباه می‌شوند، دچار توهم می‌گردند و فریب می‌دهند. فریبکاری آنها چگونه است؟ شخصی که بهاگاواد-گیتا را درک نمی‌نماید ولی تفسیری بر آن می‌نویسد، مردم بی‌گناه را فریب می‌دهد. چنین شخصی که به‌عنوان محقق محسوب می‌شود، از شهرت بهاگاواد-گیتا سوءاستفاده می‌کند و تفسیری بر آن می‌نویسد. این به‌اصطلاح محققین ادعا می‌نمایند که هرکس می‌تواند نظر خود را ارائه دهد، اما در بهاگاواد-گیتا کریشنا می‌فرماید که تنها عابد او قادر است گیتا را درک نماید. در نتیجه این به‌اصطلاح محققین، فریب‌کار هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای دریافت دانش روحانی اصیل، باید به نزد پیر روحانی معتبری که حقیقت مطلق را درک نموده است، بروید؛ در غیر این صورت در تاریکی باقی خواهید ماند. شما نمی‌توانید فکر کنید: "ممکن است پیر روحانی بپذیرم، ممکن است نپذیرم؛ در هر صورت کتاب‌هایی وجود دارند که می‌توانم از آنها بیاموزم." خیر؛ دستور ودایی این است: "تاد ویگیانارتهام سا گوروام اوابهی گاجهت"¹. واژه‌ی "گاجهت"، یعنی "شخص باید برود." نه اینکه شخص می‌تواند برود یا نرود. برای درک دانش متعال، فرد باید نزد یک پیر روحانی برود. این دستور ودایی است.

¹ Tad vijñānārtham sa gurum evābhigacchet

شما باید دو چیز را بدانید: مایا (توهم) چیست، و کریشنا چیست. آنگاه دانش شما کامل است. البته کریشنا آن قدر نازنین است که اگر به هر نحو به طور کامل تسلیم او گردید، تمام جستجوی شما برای کسب دانش به اتمام خواهد رسید؛ یعنی نه تنها می‌فهمید که کریشنا چیست، بلکه به طور خود به خود نیز می‌آموزید که مایا چیست. کریشنا شعور را از درون به شما خواهد داد.

از این رو، با لطف پیر روحانی و لطف کریشنا، شخص به خدمت عابدانه می‌پردازد. چگونه؟ لطف آنها به موازات یکدیگر عمل می‌نماید. اگر شما هنوز پیر روحانی پیدا نکرده ولی صادق باشید، کریشنا شما را به نزد یک پیر روحانی موثق هدایت خواهد نمود، و چنانچه شما پیر روحانی موثقی انتخاب کنید، او شما را به نزد کریشنا خواهد برد. کریشنا همواره به عنوان "چایتیا-گورو"^۱ یا پیر روحانی درون، در قلب شما نشسته است. این چایتیا-گوروست که خود را در خارج به عنوان پیر روحانی متجلی می‌سازد. بنابراین پیر روحانی نماینده‌ی مستقیم کریشناست.

ایشوپانیشاد می‌گوید که ما باید بیاموزیم که ویدیا و آویدیا چه چیزهایی هستند. آویدیا جهل است در قالب دانش مادی. شریلا بهاکتی وینودا تهاکورا در یکی از اشعار خود چنین می‌گوید: "پیشرفت دانش مادی تنها افزایش اقتدار مایاست." هرچه شما بیشتر در دانش مادی درگیر شوید، به همان نسبت کریشنا آگاهی را کمتر درک خواهید نمود. آنهایی که در دانش مادی پیشرفته هستند، می‌اندیشند که: "این جنبش کریشنا آگاهی چه فایده‌ای دارد؟" آنها هیچ‌گونه کششی به دانش روحانی ندارند. آنها بسیار جذب آویدیا هستند.

¹ caitya-guru

بعضی از جوانان هندی، فرهنگ روحانی هند را طرد می‌نمایند و برای آموختن تکنولوژی به غرب می‌آیند. هنگامی که آنها مرا می‌بینند که در غرب به معرفی آن چیزهایی که آنان در هند طرد نموده بودند پرداخته‌ام، متعجب می‌گردند. یک دلیل آمدن من به غرب این است که هند امروزی، دانش روحانی را طرد نموده است. امروزه هندی‌ها تصور می‌کنند که چنانچه از تکنولوژی غرب تقلید نمایند، خوشبخت خواهند شد. این مایاست. آنها نمی‌بینند کسانی که سیصد مرتبه از نظر تکنولوژی از هندی‌ها پیشرفته‌ترند، خوشبخت نیستند. هند برای حداقل سیصد سال دیگر قادر نخواهد بود تا در تکنولوژی با آمریکا و اروپا برابری نماید؛ زیرا کشورهای غربی برای مدتی بسیار طولانی در حال توسعه‌ی تکنولوژی بوده‌اند. درحالی که از بدو آفرینش، فرهنگ هند فرهنگی روحانی بوده است.

ویدیا یا دانش روحانی اصیل، به تکنولوژی وابسته نیست. "شریلا ویاسادوا"^۱ نخستین گوروی دانش ودایی است. او چگونه زندگی می‌نمود؟ در یک کلبه در "باداریک‌آشراما"^۲. اما فقط دانش او را در نظر بگیرید! او "پوراناهای"^۳ بسیاری، از جمله شریماد- بهاگواتام را نوشت. او همچنین "ودانتا- سوترا"^۴ و ماهابهاراتا را نوشت. مطالعه‌ی همه‌ی آیاتی که توسط ویاسادوا نوشته شده، یک عمر طول می‌کشد. شریماد- بهاگواتام، به تنهایی حداقل هجده‌هزار آیه دارد و هر آیه چنان پرمعناست که درک آن یک عمر تمام طول می‌کشد. این فرهنگ ودایی است.

¹ Śrīla Vyāsadeva

² Badarikāśrama

³ Purānas

⁴ Vedānta-sūtra

هیچ دانشی با آنچه که در نوشته‌های ودایی وجود دارد، قابل مقایسه نیست؛ زیرا نه تنها شامل دانش روحانی است، بلکه دانش مادی را نیز مشمول می‌گردد. وداها، اخترشناسی، ریاضیات و موضوعات بسیار دیگری را مورد بحث قرار می‌دهند. فکر نکنید که در زمان‌های باستان، فضاییمایی وجود نداشته است؛ در پورانها به آنها اشاره شده است. این فضاپیماها آن قدر قوی و سریع بودند که به آسانی می‌توانستند به سیارات دیگر برسند. نباید تصور کرد که در عهد وداها پیشرفت دانش مادی وجود نداشته است؛ وجود داشته است، اما مردم آن را مسئله‌ای مهم نمی‌پنداشتند. آنها به دانش روحانی علاقه‌مند بودند. از این رو، شخص باید بداند که دانش چیست و چهل چیست. چنانچه ما در جهل یا دانش مادی پیشرفت نماییم باید به تولد و مرگ مکرر تن در دهیم. گذشته از آن تضمینی وجود ندارد که تولد بعدی شما چه خواهد بود؛ این در دست شما نیست. اکنون از آمریکایی بودن خود شادمان هستید؛ اما بعد از ترک این بدن نمی‌توانید بگویید که: "لطفاً دوباره به من یک بدن آمریکایی بدهید." حتی ممکن است شما بدن آمریکایی بگیرید، اما شاید بدن یک گاو آمریکایی را. آنگاه سرنوشت شما رفتن به کشتارگاه است.

بنابراین، کسب دانش مادی - ناسیونالیسم، سوسیالیسم، این "ایسم"، آن "ایسم" - تنها اتلاف خطرناک وقت است. بهتر آن است که به کسب دانش واقعی، یعنی دانش ودایی که فرد را به تسلیم شدن به کریشنا هدایت می‌نماید، پردازید. همان‌گونه که کریشنا در بهاگاواد-گیتا (۱۹/۷) می‌فرماید: "باهونام جان مانام آنته گیاناوان مام پراپادیاته".^۱ پس از تولدهای بسیار زیاد، شخصی که در دانش اصیل قرار گرفته است، به سوی کریشنا می‌رود، به او تسلیم می‌شود و درک می‌نماید که: "ای کریشنا، تو همه چیز هستی." این نتیجه‌ی نهایی تمامی اکتساب دانش است.

¹ bahūnām janmanām ante jñānavān mām prapadyate

آن سوی انوار روشن برهمن

ایشوپانیشاد بیان می‌دارد: "انسان باید شخصیت اعلاهی خداوند، نام متعال او و نیز آفرینش موقت مادی، فرشتگان، انسان‌ها و حیوانات فناپذیر را بسیار خوب بشناسد. هنگامی که به اینها آگاه شد، مرگ و تجلی کیهانی گذرای همراه آن را پشت‌سر خواهد گذارد و در ملکوت جاودانی خداوند، از زندگی ابدی سرشار از شرف و دانش بهره‌مند خواهد شد. ای پروردگار من، ای نگهدارنده‌ی تمامی موجودات، چهره‌ی حقیقی تو با پرتو خیره‌کننده‌ات پوشیده گشته است. تقاضا دارم این حجاب را برگیر و خود را به عابد پاک خود بنمای.".

در این‌جا، ایشوپانیشاد به ملکوت خداوند اشاره می‌نماید. در تمامی سیارات روحانی و مادی، یک کنترل‌کننده‌ی غالب وجود دارد. به‌عنوان مثال، کنترل‌کننده‌ی غالب در خورشید، ویواسوان^۱ است. ما این اطلاعات را از بهاگاواد-گیتا دریافت می‌نماییم. میلیون‌ها و تریلیون‌ها کیهان در فضای مادی وجود دارد و در هر کیهان میلیون‌ها و تریلیون‌ها سیاره است و در هر سیاره یک کنترل‌کننده‌ی غالب وجود دارد.

در آن سوی فضای مادی برهماجویتی^۲ یا عالم روحانی قرار دارد؛ جایی که تعداد بی‌شماری از سیارات وایکونتها^۳ قرار دارند. هر سیاره‌ی وایکونتها توسط فرم نارایانای^۴ خداوند متعال اداره می‌شود و هر نارایانا یک نام متفاوت دارد - پرادیومنا^۵، آنیرودها^۶،

¹ vivasvān

² brahmajyoti

³ Vaikuṇṭha

⁴ Nārāyaṇa

⁵ Pradyumna

⁶ Anirudha

سان کارشانا^۱ و غیره. شخص نمی‌تواند این سیارات را ببیند، زیرا آنها توسط انوار روحانی برهماجیوتی پوشیده شده‌اند؛ درست همان‌طور که کسی قادر نیست سیاره‌ی خورشید را به‌علت تشعشع خیره‌کننده‌اش مشاهده نماید. انوار درخشان در فضای روحانی، از سیاره‌ی کریشنا، یعنی گولوکا ورینداون نشأت می‌گیرند که حتی در ورای وایکوتتها واقع گردیده و جایی است که تنها کریشنا حکم‌فرماست.

سیاره‌ی حقیقت مطلق، کریشنا، به‌وسیله‌ی انوار برهمن پوشیده شده است. شخص باید به آن انوار نفوذ کند تا خداوند را ببیند. از این‌رو، در ایشوپانی‌شاد عابد دعا می‌کند که: "تقاضا دارم این حجاب را برگیری تا تو را ببینم." فلاسفه‌ی مایاوادی نمی‌دانند که در ورای برهماجیوتی نیز چیزی وجود دارد. اما در ایشوپانی‌شاد شواهد ودایی وجود دارد مبنی بر آنکه برهماجیوتی تنها یک نور درخشان طلایی است که چهره‌ی حقیقی خداوند متعال را پوشانده است.

نکته آن است که سیاره‌ی کریشنا و سیارات وایکوتتها، در آن سوی انوار برهمن قرار دارند و تنها عابدین قادر هستند که به این سیارات روحانی وارد گردند. "گیانی‌ها"^۲ و پندارگرایان ذهنی ریاضت‌های توان‌فرسا انجام می‌دهند تا به انوار برهمن وارد شوند. اما دیوهایی که توسط کریشنا نابود می‌گردند، فوراً به انوار برهمن انتقال می‌یابند. بنابراین، جایی که به دشمنان کریشنا داده می‌شود، آیا واقعاً قابل حسرت خوردن است؟ اگر دشمن من به خانه‌ام بیاید، ممکن است جایی برای اقامت به او بدهم، اما چنانچه دوست صمیمی‌ام بیاید، جایی بسیار بهتر به او فراهم داد. بنابراین، انوار برهمن به هیچ‌وجه جایی برای غبطه خوردن وجود ندارد.

¹ *Saṅkaraṣaṇa*

² *jñānīs*

"شریلا پرابودهاناندا ساراسواتی"^۱ شعری زیبا سروده است که در آن می‌گوید: "برای عابد، یعنی کسی که لطف خداوند را به‌دست آورده است، انوار برهمن درست مانند جهنم است؛ بنابراین او را با بهشت چه کار؟ "کاری‌ها"^۲ یا انجام‌دهندگان کار برای ثمر، بسیار مشتاق هستند که به گُرات بهشتی، یعنی جایی که فرشتگان سکونت دارند، بروند. اما برای عابدین، بهشت بی‌معنی است. آنها هرگز مجذوب رفتن به آن‌جا نمی‌گردند. همچنین "یوگیان"^۳ طالبِ قدرت‌های ماورایی، کوشش‌های بسیار توان‌فرسایی برای مهار حواس انجام می‌دهند تا قدرت‌های خاصی را کسب نمایند. حواس همانند افعی‌های سمی است؛ زیرا به‌محض اینکه شما در ارضای حواس افراط نمایید، یعنی به‌محض اینکه حواس شما را بگزد، تباه خواهید شد. اما عابد می‌گوید: "من از افعی‌های سمی حواس ترسی ندارم." چرا؟ زیرا نیش‌های آنها را کشیده‌ام." به‌عبارت دیگر، عابد با مشغول نمودن حواس در خدمت کریشنا دیگر برای افراط در ارضای حواس و سوسه نمی‌شود و بنابراین حواس او نمی‌تواند وی را به موقعیت‌های جهنمی زندگی بکشانند.

بدین ترتیب عابدان، برتر از کاری‌ها، گیانی‌ها و یوگیان هستند. جایگاه عابدان، بالاترین است؛ زیرا تنها توسط عشق و عبودیت، شخص قادر است خداوند را درک نماید. کریشنا نمی‌گوید که شما می‌توانید با کار برای ثمر او را درک کنید. او نمی‌گوید که شما می‌توانید او را توسط تحلیل ذهنی و پندارگرایی درک کنید. او نمی‌گوید که شما می‌توانید او را از طریق یوگای قدرت‌های ماورایی درک کنید. او به‌وضوح در بهاگاواد-گیتا (۵۵/۱۸) با بیانی روشن می‌فرماید: "بهاکتیا مام آبھی جانانتی یاوان یاش چاسمی

¹ Śrīla Prabodhānanda Sarasvatī

² karmīs

³ yogīs

تاتواتها^۱: "تنها از طریق خدمت عابدانه، شخص قادر است به طور حقیقی مرا آن طور که هستم، درک نماید."

به جز از طریق خدمت عابدانه، امکانی برای درک حقیقت مطلق وجود ندارد. هر روند دیگری ناقص است، زیرا بر پایه‌ی پندارگرایی قرار دارد. به عنوان مثال، دانشمندان ممکن است در مورد ساختار سیاره‌ی خورشید، به حدس و گمان متوسل گردند؛ اما چون هیچ‌گونه دسترسی مستقیمی به آن‌جا ندارند، نمی‌توانند بدانند که ساختار حقیقی سیاره‌ی خورشید چیست. آنها تنها قادرند حدس بزنند؛ همین. روزی سه مرد نابینا به فیلی رسیدند و سعی نمودند که با لمس کردن آن حدس بزنند که چیست. یکی از آنها به پاهای بزرگش دست زد و نتیجه‌گیری کرد که فیل یک ستون است. فرد دوم به خرطومش دست زد و گفت: "مانند یک مار است." فرد سوم شکم فیل را دست زد و نتیجه‌گیری کرد که فیل یک قایق بزرگ است. اما در واقع سه مرد کور نفهمیدند که فیل حقیقتاً چیست.

اگر شما توانایی دیدن چیزی را نداشته باشید، تنها قادر هستید در مورد آن حدس بزنید. بنابراین ایشوپانیشاد بیان می‌دارد: "این انوار تابناکی که چهره‌ات را پوشانده است با لطف خود به کناری زن تا بتوانم تو را مشاهده نمایم." هنگامی که کریشنا عشق عابدش را نسبت به خود مشاهده می‌نماید، قدرت دیدن را به عابد عطا می‌فرماید. همان‌گونه که برهما سامهیتا بیان می‌دارد، "پرمانجانا- چهوریتا- بهاکتی- ویلوچاننا"^۲: "عابدان چشمان خود را با مرهم عشق خداوند تقدیس می‌نمایند و از این‌رو آنها می‌توانند فرم زیبایی خداوند را در قلب‌هایشان مشاهده کنند." در هند مرهمی خاص برای چشم وجود دارد که

¹ bhaktyā mām abhijānāti yāvān yaś cāsmi tattvataḥ

² premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena

با استفاده از آن، می‌توانید فوراً به‌طور واضح ببینید. مشابهاً، اگر چشمانتان را با مرهم عشق خداوند آغشته نمایید، همواره خداوند را خواهید دید. این راه درک خداوند است: خدمت و افزایش عشق خود نسبت به او. این عشق تنها توسط خدمت عابدانه‌ی خداوند می‌تواند فزونی یابد وگرنه هیچ امکانی برای دست‌یابی به آن وجود ندارد. از این‌رو هرچه بیشتر روحیه‌ی خدمت به خداوند را افزایش بخشید، به‌همان نسبت عشق خفته‌ی شما نسبت به او فزونی می‌یابد. به‌محض اینکه در مرحله‌ی کمالِ عشق نسبت به خدا واقع شوید، همواره و در هر لحظه او را خواهید دید.

فصل دوم

کارمای بد

شریماد- بهاگواتام کتاب الهی کهنی به زبان سانسکریت است که چکیده‌ی تمامی حکمت ودایی را بیان می‌کند و آموزش‌های خداوند در طی ظهورات متعدد و همچنین تعالیم عابدین را شامل می‌شود. در فصل سی‌ام کنتوی سه، یکی از ظهورات کریشنا به نام کاپیلادوا^۱، نتایج گناه را به‌وضوح شرح می‌دهد. شریلا پرابهوپاد در شرح‌های خود، مفاهیم این آیه‌ها را روشن می‌سازند.

آیه ۱

خداوند متشخص فرمود: "همان‌گونه که توده‌ای از ابر، به اثر نیرومند باد آگاه نیست، شخصی که در آگاهی مادی گرفتار گردیده است نیز از نیروی قدرتمند عامل زمان که خود تحت تأثیر آن قرار دارد، بی‌خبر است."

شرح

حکیم و سیاست‌مداری بزرگ به نام چاناکیا^۲، گفته است که حتی یک لحظه از زمان را، گو اینکه فرد آماده‌ی پرداخت میلیون‌ها دلار هم باشد، نمی‌توان برگرداند. کسی قادر

¹ Kapiladeva

² Cāṇakya

نیست زیان حاصل از هدر رفتن زمان ارزشمند را محاسبه نماید. فرد چه به‌طور مادی و چه روحانی، باید در استفاده از زمانی که در اختیار دارد بسیار هشیار باشد. روح مقید برای مدتی معین در بدنی خاص زندگی می‌نماید. در کتاب‌های مقدس توصیه گردیده است که در این مدت زمان کوتاه شخص باید کریشناآگاهی را به کمال برساند و بدین‌نحو از تأثیر عامل زمان رهایی یابد. اما متأسفانه آنهایی که در کریشناآگاهی قرار ندارند، بدون آنکه واقف باشند، تحت تأثیر نیروی قدرتمند زمان به این‌سو و آن‌سو کشیده می‌شوند؛ همان‌گونه که ابرها توسط باد به‌حرکت در می‌آیند.

آیه ۲

"هر آنچه که با رنج و زحمت بسیار توسط مادی‌گرایان و برای به‌اصطلاح لذت تولید می‌گردد، توسط شخصیت اعلائی خداوند به‌صورت عامل زمان نابود می‌گردد و به این دلیل روح مقید دچار افسوس و تأسف می‌گردد."

شرح

وظیفه‌ی اصلی عامل زمان که نماینده‌ای از سوی شخصیت اعلائی خداوند است، نابودسازی همه‌چیز است. مادی‌گرایان با آگاهی مادی تحت عنوان توسعه‌ی اقتصادی درگیر تولید بسیاری چیزها هستند. آنها تصور می‌کنند که با پیشرفت در رفع احتیاجات مادی، خوشبخت خواهند شد؛ اما فراموش کرده‌اند که هر چیزی را تولید نمایند، در طول زمان به‌تدریج از بین خواهد رفت. با رجوع به تاریخ در می‌یابیم که بسیاری از امپراتوری‌های قدرتمند جهانی که با رنج و پشتکار فراوان بنا گردیدند، همگی به‌تدریج نابود شدند. با این‌وجود، مادی‌گرایان نادان نمی‌توانند درک کنند که با تولید به‌اصطلاح ضروریات مادی که در طول زمان محکوم به فنا هستند، وقت خود را تلف می‌نمایند. این

اتلاف انرژی به علت جهل عامه‌ی مردم است که نمی‌دانند جاودان، و دارای اشتغالی ابدی هستند. آنها نمی‌دانند که این دوره‌ی زندگی در بدنی خاص، چیزی نیست جز لحظه‌ای از سفر جاودان. به علت عدم آگاهی به این حقیقت، آنها لحظه‌ی کوچک زندگی کنونی خود را همه چیز تلقی می‌کنند و وقت خود را برای پیشرفت امور اقتصادی تلف می‌نمایند.

آیه ۳

"فرد مادی‌گرای گمراه، نمی‌داند که بدن وی ناپایدار و جاذبه‌ی خانه، سرزمین و ثروتی مرتبط با این بدن نیز موقتی است. تنها به علت جهل است که او همه چیز را پایدار می‌پندارد."

شرح

فرد مادی‌گرا تصور می‌کند اشخاص مشغول کریشناآگاهی، انسان‌هایی هستند نادان که وقت خود را با ذکر هاره کریشنا تلف می‌نمایند. اما در واقع او نمی‌داند که خود در تاریک‌ترین وادی جهل قرار دارد؛ زیرا بدنش را دائمی می‌پندارد. او خانه‌ی خود، کشور خود، جامعه‌ی خود و تمامی متعلقات دیگر را که در رابطه با بدنش هستند، دائمی می‌پندارد. این اعتقاد مادی نسبت به دائمی بودن خانه، سرزمین و غیره، مایا یا توهم نامیده می‌شود. این مسئله به وضوح در این جا ذکر گردیده است؛ "مودها گریها- کشترا- واسونی"^۱: فرد مادی‌گرا تنها بر اثر توهم، خانه، سرزمین و مال خود را چیزهایی دائمی فرض می‌نماید. به علت این توهم، زندگی خانوادگی، زندگی ملی و توسعه‌ی اقتصادی که عواملی بسیار مهم در تمدن امروزی محسوب می‌شوند، به وجود آمده و رشد نموده

¹ Mohād grha-kṣetra-vasūni

است. شخص کریشناآگاه می‌داند که این پیشرفت اقتصادی جامعه‌ی بشری، چیزی جز توهمی گذرا نیست.

در قسمتی دیگر از شریما-د-بهاگاواتام اعلام گردیده که قبول بدن به‌عنوان خود و قبول افراد دیگر به‌عنوان خویشاوندانی که با بدن فرد در رابطه هستند و قبول سرزمین محل تولد به‌عنوان چیزی پرستیدنی، ثمرات تمدنی حیوانی محسوب می‌شود. با این وجود، هنگامی که شخص توسط کریشناآگاهی از گمراهی نجات می‌یابد، می‌تواند اینها را برای خدمت به خداوند به‌کار گیرد. این طرحی بسیار مناسب است. همه‌چیز با کریشنا ارتباط دارد. هنگامی که تمامی توسعه‌ی اقتصادی و پیشرفت مادی برای پیشبرد هدف کریشناآگاهی به‌کار گرفته شود، دوره‌ای جدید از زندگی پیش رو پدید می‌آید.

آیه ۴

"موجود زنده در هر گونه‌ای از حیات که قرار گیرد، به‌طرز خاصی راضی می‌گردد و هیچ‌گاه با قرار گرفتن در آن موقعیت مخالفتی نمی‌ورزد."

شرح

احساس رضایت موجود زنده در هر بدن، حتی اگر بدترین باشد، توهم خوانده می‌شود. برای انسانی که در موقعیتی برتر قرار دارد ممکن است وضع زندگی انسانی که در سطحی پایین‌تر قرار دارد نامطلوب باشد. اما انسانی که در سطح پایین‌تر قرار دارد، به‌علت افسون مایا - انرژی بیرونی - از مرتبه‌ای که در آن واقع شده، راضی است. عملکرد مایا دارای دو مرحله است: یکی پراکشه‌پاتمیکا^۱ و دیگری آواراناتمیکا^۲.

^۱ prakṣepātmikā

^۲ Āvaraṇātmikā

آواراناتمیکا، یعنی پوشش، و پراکشه‌پاتمیکا، یعنی تنزل. شخص مادی‌گرا یا حیوان در هر موقعیتی از زندگی راضی خواهد بود، زیرا به‌علت نفوذ مایا دانش او پوشیده شده است. در درجات یا گونه‌های پست‌تر زندگی، تجلی آگاهی آن‌قدر ناچیز است که شخص نمی‌تواند بفهمد که خوشبخت است یا بدبخت. این آواراناتمیکا نام دارد. حتی خوک که زندگی را با خوردن مدفوع می‌گذراند، خود را خوشبخت تصور می‌نماید؛ اما شخصی که در گونه‌های برتر زندگی قرار دارد متوجه است که زندگی خوک تا چه اندازه نفرت‌انگیز است.

آیه ۵

"هنگامی که موجود زنده توسط اثر پوششی انرژی توهمی فریب می‌خورد، حتی در جهنم نیز تمایل اندکی برای کنار نهادن بدنش دارد، زیرا از لذت‌های جهنمی شادمان می‌گردد."

شرح

می‌گویند که یک‌بار "ایندرا"^۱، فرمانروای بهشت، به‌علت بدرفتاری مورد نفرین پیر روحانی خود، "بریهاسپاتی"^۲، واقع شد و به خوکی در این سیاره تبدیل گشت. پس از گذشت روزهای بسیار، هنگامی که برهما خواست تا او را به قلمرو بهشتی‌اش فرا خواند، ایندرا که در فرم خوک تمامی چیزها را در مورد مقام پادشاهی‌اش در قلمرو بهشتی فراموش کرده بود، حاضر به بازگشت نشد. این افسون مایاست. حتی ایندرا سطح زندگی بهشتی خود را فراموش می‌نماید و از وضعیت زندگی یک خوک راضی می‌گردد.

¹ Indra

² Br̥haspati

تحت تأثیر مایا، روح مقید نسبت به بدن ویژه‌ی خود آن قدر علاقمند می‌گردد که اگر شخصی به او بگوید: "این بدن را رها کن تا فوراً بدن یک پادشاه را دریافت کنی"، او قبول نمی‌کند. این دلبستگی، تمامی موجودات زنده‌ی مقید را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. خداوند کریشنا شخصاً تأکید می‌نماید که: "همه چیز را در این جهان مادی رها کن و به نزد من آی؛ من تو را از همه نظر حفظ خواهم نمود." اما ما موافقت نمی‌کنیم. ما تصور می‌کنیم: "شرایط ما کاملاً خوب است. چرا باید به کریشنا تسلیم شویم و به ملکوت بازگردیم؟" این توهم یا مایا نامیده می‌شود. هر کس نسبت به وضعیت زندگی هر چند نفرت‌انگیز خود، احساس رضایت می‌نماید.

آیه ۶

"چنین احساس رضایتی نسبت به وضعیت زندگی، به علت کشش عمیق شخص به بدن، همسر، خانه، فرزندان، حیوانات، ثروت و دوستان است. در چنین معاشرتی، روح مقید خود را در کمال تصور می‌نماید."

شرح

این به اصطلاح کمال زندگی بشری، یک پندار است. به این دلیل گفته شده است که شخص هر قدر هم از نظر مادی صلاحیت داشته باشد، اگر عابد خداوند نباشد، هیچ ویژگی خوبی ندارد؛ زیرا در حال درجا زدن در سطح ذهن است که او را دوباره به موجودیت مادی زندگی موقتی خواهد کشید. کسی که در سطح ذهن عمل می‌نماید، قادر نیست به بلندای روحانی ارتقاء یابد. چنین فردی به طور قطع همواره به زندگی مادی سقوط خواهد کرد. با این وجود، روح مقید در ارتباط با به اصطلاح جامعه، دوستی و عشق ظاهری، کاملاً احساس رضایت می‌نماید.

آیه ۷

"چنین فرد ابله‌ی، اگرچه همواره در اضطراب می‌سوزد، پیوسته با آرزوی دست نیافتنی محافظت از به‌اصطلاح خانواده و اجتماعش، همه نوع اعمال زیان‌آور و شیطنت‌آمیز را اجرا می‌نماید."

شرح

می‌گویند که نگهداری از یک امپراتوری بزرگ آسان‌تر از حفظ یک خانواده‌ی کوچک است؛ به‌خصوص در این روزها که اثر "کالی‌یوگا"^۱ آن قدر قوی است که همه به‌علت پذیرش نمایش دروغین خانواده‌ی مایا، دچار عجز شده و مملو از اضطراب گشته‌اند. خانواده‌ای را که ما حفظ می‌کنیم، توسط مایا به‌وجود آمده است و انعکاس انحراف‌یافته‌ی خانواده‌ای است که در "کریشنالوکا"^۲ وجود دارد. در کریشنالوکا نیز خانواده، دوستان، جامعه، پدر و مادر وجود دارند. همه‌چیز وجود دارد، اما آنها ابدی هستند. در این‌جا هنگامی که ما بدن‌ها را عوض می‌نماییم، روابط خانوادگی نیز عوض می‌شود. گاهی ما در خانواده‌ی انسان‌ها هستیم، گاهی در خانواده‌ای از فرشتگان و گاهی در خانواده‌ی گربه‌ها و سگ‌ها.

خانواده، جامعه و رابطه‌ی دوستی ناپایدار است و بنابراین آسات^۳ نامیده می‌شود. گفته شده است تا هنگامی که ما به آسات - این خانواده و جامعه‌ی موقتی و غیرحقیقی - دلبسته‌ایم، همواره مملو از اضطراب هستیم. مادی‌گرایان که نمی‌دانند خانواده، جامعه و دوستی در این دنیای مادی تنها سایه‌هایی محسوب می‌شود، به آنها دلبسته می‌گردند و

¹ Kali-yuga

² Kṛṣṇaloka

³ Asat

به این ترتیب قلب‌های آنها همواره می‌سوزد. اما به‌رغم تمامی دردها، باز هم کار می‌کنند تا از چنین خانواده‌های غیرحقیقی محافظت نمایند، زیرا آنها اطلاعی از رابطه‌ی خانوادگی حقیقی با کریشنا ندارند.

آیه ۸

"او قلب و حواس خود را به زنی می‌دهد که به‌طور دروغین او را با مایا مسحور می‌نماید. او از در آغوش گرفتن وی و صحبت کردن با او در خلوت لذت می‌برد و فریفته‌ی کلمات شیرین کودکان خود می‌گردد."

شرح

زندگی خانوادگی در قلمروی انرژی توهمی، مایا، مانند زندانی است برای موجود زنده‌ی جاویدان. در یک زندان، زندانی با غل و زنجیرهای آهنی بسته می‌شود. به‌طور مشابه، روح مقید توسط زیبایی مسحورکننده‌ی یک زن، در آغوش گرفتن وی و صحبت‌های به‌اصطلاح عاشقانه در خلوت و کلمات شیرین فرزندان کوچک خود به بند در می‌آید. بدین‌نحو، او هویت حقیقی خود را فراموش می‌نماید.

در این آیه واژه‌های "استرینام آساتینام"^۱ نشان‌گر آن است که عشق زنانه تنها به این خاطر وجود دارد که ذهن مرد را تحریک نماید. در حقیقت، در دنیای مادی عشقی وجود ندارد. هم مرد و هم زن، هر دو جذب ارضای حواس خود هستند. برای ارضای حواس، زن عشقی توهمی را به‌وجود می‌آورد و مرد مسحور چنین عشق دروغینی می‌گردد و وظیفه‌ی حقیقی خود را فراموش می‌نماید. هنگامی که فرزندان به‌عنوان نتیجه‌ی چنین

¹ *strīnām asatīnām*

امتزاجی به وجود می‌آیند، جذب‌های بعدی، کلمات شیرین فرزندان است. در خانه، عشق به زن و صحبت فرزندان از فرد یک زندانی قطعی می‌سازد و بدین‌سان او قادر نیست که خانه را ترک نماید. چنین شخصی به زبان ودایی یک گریه‌آمده^۱ نامیده می‌شود، یعنی کسی که محور توجه او خانه است. واژه‌ی گریه‌آمده^۲ به کسی اشاره دارد که با خانواده، همسر و فرزندان زندگی می‌نماید، اما هدف واقعی وی در زندگی پرورش کریشناآگاهی است. از این‌رو توصیه می‌گردد که شخص یک گریه‌آمده شود، نه یک گریه‌آمده‌ی مسئله‌ی مورد توجه گریه‌آمده، خروج از زندگی خانوادگی ناشی از توهم و ورود به زندگی خانوادگی حقیقی با کریشناست. در صورتی که مشغولیت گریه‌آمده این است که زندگی پس از زندگی، خود را به زنجیر به اصطلاح زندگی خانوادگی بکشد و بی‌وقفه در تاریکی مایا باقی بماند.

آیه ۹

”فرد متأهلِ دلبسته، در زندگی خانوادگی آکنده از سیاست‌مداری و زد و بند باقی می‌ماند. او درحالی که تحت سلطه‌ی اعمالی است که به‌منظور ارضای حواس صورت می‌گیرد و همواره انواع رنج‌ها را افزون می‌سازد، می‌کوشد تا فقط واکنش‌های درد و رنج‌های خود را از بین ببرد و با مقابله‌ی موفقیت‌آمیز با چنین رنج‌هایی، تصور می‌کند که خوشبخت است.“

شرح

^۱ grhamedhī

^۲ grhastha

در بهاگاواد-گیتا، شخصیت اعلاى خداوند خود تصدیق می‌نماید دنیای مادی مکانی است ناپایدار که مملو از رنج‌هاست. در این دنیای مادی جایی برای خوشبختی، چه به‌طور فردی و چه در رابطه با خانواده، جامعه، یا کشور وجود ندارد. آنچه که خوشبختی محسوب می‌شود، توهم است. در این دنیای مادی، خوشبختی یعنی از بین بردن موفقیت‌آمیز نگرانی‌ها. دنیای مادی طوری ساخته شده است که اگر فرد یک سیاستمدار هوشمند نگردد، زندگی‌اش با شکست روبرو خواهد شد. حتی در اجتماع حیوانات پست‌تر، پرندگان و حیوانات نیز هوشمندانه خواسته‌های بدنی خود، یعنی خوردن، خوابیدن، جفت‌گیری و دفاع را اداره می‌نمایند، دیگر چه رسد به جامعه‌ی بشری. جامعه‌ی بشری، به‌طور جمعی یا فردی، در حال رقابت است و در تلاش برای رسیدن به موفقیت، تمامی جامعه کاملاً دچار سیاستمداری می‌گردد. ما باید همیشه به‌خاطر داشته باشیم که به‌رغم همه تدابیر و هوشیاری‌هایی که در تلاش برای بقاء اعمال می‌گردد، همه‌چیز در یک لحظه توسط اراده‌ی متعال پایان خواهد یافت. بنابراین تمامی تلاش‌های ما برای خوشبختی در این دنیای مادی، تنها حقه‌ای است که از سوی مایا تقدیم می‌گردد.

آیه ۱۰

"او با ارتکاب به خشونت و ستم، از این‌جا و آنجا پولی را به‌چنگ می‌آورد و اگرچه آن را در خدمت به خانواده‌اش به‌کار می‌گیرد، ولی خود تنها مقدار کمی از غذایی را که بدین منوال به‌دست آمده است، می‌خورد و به‌خاطر کسانی که برایشان از راه نادرست پولی را کسب نموده است، به جهنم می‌رود."

شرح

یک مثل بنگالی وجود دارد که می‌گوید: "شخصی که من برای او مرتکب دزدی شدم، مرا به دزد بودن متهم می‌سازد." اعضای خانواده‌ای که شخص دلبسته به آنان از راه‌های نادرست فراوان برایشان فعالیت می‌کند، هرگز راضی نمی‌گردند. شخص دلبسته، در توهم به چنین افرادی خدمت می‌نماید و بدین طریق، سرنوشت او آن است که دچار شرایط جهنمی زندگی گردد. به‌عنوان مثال، یک دزد، برای نگهداری از خانواده‌اش چیزی را می‌دزدد و دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد. این خلاصه و جوهر زندگی مادی و دلبستگی به جامعه مادی، رفاقت و عشق مادی است. اگرچه مردی که دلبسته‌ی خانواده است، همواره درگیر به‌دست‌آوردن پول با زور و کلک است تا از خانواده‌اش نگهداری نماید، اما خود قادر نیست تا از مقداری بیش از آنچه که حتی بدون ارتکاب به چنین اعمال مجرمانه‌ای می‌توانست مصرف نماید، بهره‌مند گردد. مردی که در حدود دویست و پنجاه گرم غذا می‌خورد، شاید مجبور باشد که از خانواده‌ای بزرگ نگهداری نماید و برای حمایت از آن خانواده، از هر طریق ممکن پولی را به‌دست آورد؛ اما به خودش چیزی بیش از آنکه می‌تواند بخورد، داده نمی‌شود و گاهی غذایی را می‌خورد که پس از سیر شدن اعضای خانواده باقی می‌ماند. او با وجود آنکه از راه‌های غیرمنصفانه پول کسب می‌کند، حتی نمی‌تواند از زندگی خود لذت ببرد. این، توهم پوششی مایا نامیده می‌شود.

روند خدمت توهمی به جامعه، کشور و مردم دقیقاً در همه‌جا یکسان است. همین قاعده حتی رهبران بزرگ ملی را نیز شامل می‌شود. یک رهبر ملی که در خدمت به کشور بسیار تواناست، گاهی به‌خاطر خدمتی خلاف عرف، توسط هموطنانش کشته می‌شود. به بیان دیگر، اگرچه شخص نمی‌تواند از خدمت‌کردن شانه خالی کند، زیرا خادم بودن

موقعیت بنیادی اوست، اما وابستگان خود را نیز نمی‌تواند توسط این خدمت توهمی راضی گرداند.

یک موجود زنده به‌طور جوهری جزء لاینفک وجود متعال است، اما فراموش می‌نماید که باید به وجود متعال خدمت نماید و در نتیجه توجه خود را به خدمت کردن به دیگران معطوف می‌نماید. این، مایا نامیده می‌شود. با خدمت به دیگران، او به اشتباه تصور می‌نماید که ارباب است. سرپرست خانواده خود را ارباب خانواده، یا رهبر ملت خود را ارباب ملت می‌پندارد، در صورتی که او در حقیقت خادم است و با خدمت به مایا به تدریج به جهنم می‌رود. بنابراین، انسان عاقل باید به مرحله‌ی کریشناآگاهی برسد، و به خدمت خداوند مشغول گردد و تمامی زندگی، ثروت، شعور و قدرت سخن‌گویی خود را برای او به کار گیرد.

آیات ۱۱-۱۳

"هنگامی که او در کارش دچار شکست می‌گردد، دوباره و دوباره تلاش می‌کند تا پیشرفت نماید؛ اما هنگامی که در تمامی تلاش‌ها ناکام و درمانده می‌شود، به‌علت حرص زیاده از حد، به کمک‌های مالی دیگران تن درمی‌دهد. بنابراین، فرد بدبختی که در نگهداری اعضای خانواده‌اش ناموفق است، فاقد همه‌ی زیبایی‌هاست. او همواره به شکست خود فکر می‌کند و عمیقاً اندوهگین می‌گردد. همسرش و دیگران با دیدن عدم توانایی او در حمایت از آنها، دیگر مانند قبل با او با احترام رفتار نمی‌نمایند، درحالی‌که حتی کشاورزان خسیس نیز با گاوهای نر پیر و فرتوت خود چنین رفتاری را نمی‌کنند."

شرح

نه تنها در عصر کنونی، بلکه از دوران بسیار کهن، هیچ‌کس به فرد پیری که توانایی کسب روزی برای خانواده را ندارد، علاقه‌ای نداشته است. حتی در عصر جدید، در بعضی از جوامع یا کشورها به پیرمردها سم داده می‌شود تا هرچه زودتر بمیرند. در بعضی از جوامع آدم‌خواران، پدربزرگ پیر به طرز گستاخانه‌ای کشته می‌شود و جشنی برگزار می‌گردد که در آن بدن او را می‌خورند. مثلی است که می‌گوید: یک کشاورز، گاو پیری را که دیگر کار نمی‌کند، دوست ندارد. مشابهاً، هنگامی که شخص دلبسته به زندگی خانوادگی، پیر می‌شود و در کسب روزی ناتوان می‌گردد، دیگر همسر، پسران، دختران و سایر خویشاوندانش او را دوست ندارند و نه تنها مورد احترام نیست، بلکه مورد بی‌توجهی نیز واقع می‌گردد. بنابراین، عاقلانه است که شخص قبل از سنین کهولت، دلبستگی خانوادگی را رها نماید و به شخصیت‌اعلای خداوند پناه ببرد. فرد باید خود را به خدمت خداوند مشغول سازد تا خداوند متعال بتواند مسئولیت او را بر عهده گیرد و او از سوی به‌اصطلاح خویشاوندان خود مورد بی‌توجهی واقع نگردد.

آیه ۱۴

"مرد نادان متأهل، گرچه توسط کسانی که خود زمانی از آنها حفاظت می‌نموده است نگهداری می‌شود، اما از زندگی خانوادگی بیزار نمی‌گردد. او که در اثر کهولت به طرز زشتی تغییر شکل یافته است، به انتظار فرا رسیدن مرگ غایی می‌نشیند."

شرح

کشش خانواده آن قدر قوی است که حتی اگر شخص در پیری خود مورد بی‌توجهی افراد خانواده واقع گردد، نمی‌تواند دلبستگی به خانواده را رها سازد و درست همانند سگی در خانه باقی می‌ماند. در روش زندگی ودایی توصیه می‌شود که قبل از ضعیف‌شدن بسیار و

عاجز شدن در اعمال مادی و پیش از بیمار شدن، فرد باید زندگی خانوادگی را رها نماید و روزهای باقی مانده‌ی زندگی خود را کاملاً در خدمت خداوند قرار دهد. از این‌رو، کتاب‌های مقدس ودایی شدیداً توصیه می‌کنند به محض اینکه فرد سن پنجاه سالگی را پشت سر گذارد، باید زندگی خانوادگی را رها نماید و به تنهایی در جنگل زندگی کند. او بعد از آماده‌ساختن کامل خود باید "سانیاسی"^۱ شود، بسیار سفر نماید و دانش زندگی روحانی را در هر خانه‌ای پخش کند.

آیه ۱۵

"بدین ترتیب او درست مانند سگی خانگی در منزل می‌ماند و هر چیزی را که با بی‌توجهی بسیار به وی داده می‌شود، می‌خورد. او با مبتلا شدن به انواع بیماری‌ها، چون سوءهاضمه و کم‌اشتهایی، تنها لقمه‌ی بسیار کوچکی غذا می‌خورد و فردِ علیلی می‌شود که بیش از این توانایی کارکردن ندارد."

شرح

پیش از فرا رسیدن مرگ، شخص مطمئناً علیل و بیمار خواهد شد و هنگامی که از سوی اعضای خانواده‌اش مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و در موقعیت‌های نکبت‌بار بسیاری واقع می‌گردد، زندگی‌اش پست‌تر از زندگی یک سگ می‌شود. از این‌رو، نوشته‌های ودایی اکیداً توصیه می‌کنند که قبل از فرا رسیدن چنین شرایط رقت‌باری، مرد باید خانه را ترک گوید و دور از خانواده‌اش بمیرد. مردی که خانه را ترک کند و بدون اطلاع خانواده فوت نماید، از مرگ باشکوهی برخوردار شده است. اما مرد متأهلِ دلبسته می‌خواهد که پس از

^۱ sannyāsī

مرگ نیز خانواده‌اش جنازه‌ی او را در مراسم پرشکوهی تشییع نمایند؛ و اگرچه او قادر به مشاهده‌ی اجرای این مراسم نخواهد بود، با این وجود علاقمند است که جسدش به طرز با شکوهی طی چنین مراسمی حمل گردد. بدین‌سان، با وجود آنکه نمی‌داند پس از ترک این بدن برای زندگی بعدی به کجا رهسپار خواهد شد، ولی شادمان است.

آیات ۱۶-۱۷

"در آن موقعیت بیماری، چشم‌های انسان بر اثر فشار هوای درون ورم می‌کند و غدش از خلط آکنده می‌گردد؛ در نفس کشیدن دچار مشکل می‌شود و هنگام دم و بازدم، صدای خِرْخِر در گلویش ایجاد می‌گردد. بدین‌طریق او در چنگال مرگ قرار می‌گیرد و درحالی‌که دوستان و خویشاوندان متأثر و گریان وی را احاطه کرده‌اند، دراز می‌کشد، و اگرچه می‌خواهد با آنها صحبت نماید، ولی دیگر قادر نیست، زیرا تحت کنترل زمان قرار دارد."

شرح

به‌منظور رعایت آداب و رسوم، هنگامی‌که کسی به بستر مرگ می‌افتد، خویشاوندان او به نزدش می‌آیند و گاهی با صدای بسیار بلند، ناله و فریاد می‌کنند و فرد محتضر را چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: "پدرم!"، "دوستم!" یا "شوهرم!". در آن موقعیت رقت‌بار، مرد مشرف به موت می‌خواهد با آنها صحبت کند و خواسته‌های خود را برایشان بیان نماید، اما چون کاملاً تحت کنترل عامل زمان، مرگ، قرار دارد، نمی‌تواند سخنی بگوید و این باعث دردی غیرقابل تصور در او می‌گردد. او که به‌علت بیماری موقعیتی دردناک را سپری می‌کند و غدد و حلقش مملو از خلط است، در موقعیتی بسیار سخت قرار دارد و

هنگامی که بدان طریق توسط خویشاوندانش مورد خطاب قرار می‌گیرد، بر اندوهش افزوده می‌گردد.

آیه ۱۸

"بدین ترتیب فردی که با حواسی مهارنشده به نگهداری و مراقبت از خانواده‌اش پرداخته بود، در اندوهی عظیم و در حالتی که خویشاوندان خود را در حال گریه و زاری می‌بیند، می‌میرد. او به طرزی اسفبار و با دردی بزرگ و بدون آگاهی، دار فانی را وداع می‌گوید."

شرح

در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که شخص در لحظه‌ی مرگ جذب افکاری خواهد شد که طی زندگی‌اش کسب کرده است. شخصی که فکری جز مراقبت از اعضای خانواده‌اش نداشته است، آخرین تفکراتش نیز درباره‌ی مسائل خانوادگی خواهد بود. برای یک فرد عامی این غیرقابل اجتناب است. فرد عامی به سرنوشت زندگی خود واقف نیست و این زندگی گذرای بسیار کوتاه را صرفاً با نگهداری از خانواده سپری می‌سازد. سرانجام، هیچ‌کس از دستاوردهای وی برای بهبود وضعیت مالی و مادی خانواده راضی نیست و همه تصور می‌نمایند که نتوانسته است به‌قدر کافی خانواده را تأمین نماید. به‌علت دلبستگی عمیق به خانواده، او وظیفه‌ی اصلی خود را که مهار حواس و پیشرفت آگاهی روحانی است فراموش می‌نماید. گاهی شخصی که در شرف مرگ است، امور خانواده را به پسر خود و یا به یکی از خویشاوندان واگذار می‌نماید و می‌گوید: "من در حال رفتن هستم، لطفاً از خانواده‌ام مراقبت کن." او نمی‌داند که به کجا می‌رود، اما حتی در لحظه مرگ هم نگران وضعیت خانواده‌اش است. گاهی مردی که در حال مرگ است از دکتر می‌خواهد که حداقل سال‌های اندکی را بر طول عمرش بیافزاید تا او بتواند

برنامه‌ی مراقبت از خانواده را که آغاز نموده است، کامل نماید. اینها بیماری‌های مادی روح مقید است. او برنامه‌ی حقیقی خود - کریشناآگاه شدن - را کاملاً فراموش نموده و همواره با جدیت به برنامه‌ریزی برای مراقبت از خانواده‌اش مشغول است، گرچه خانواده‌هایش را یکی پس از دیگری تغییر می‌دهد.

آیه ۱۹

"در هنگام مرگ، پیام‌آوران خداوندگارِ مرگ را می‌بیند که با چشمانی آکنده از خشم در مقابل او قرار می‌گیرند و وی با ترس فراوان، ادرار و مدفوع دفع می‌کند."

شرح

پس از ترک بدن فعلی دو نوع روند انتقال روح برای موجود زنده وجود دارد. یک نوع انتقال روح، رفتن به نزد کنترل‌کننده‌ی اعمال گناه‌آلود است که به‌عنوان یاماراجا^۱ شناخته می‌شود و دیگری رفتن به کرات بالاتر است که نهایتاً به وایکوتن‌ها منجر می‌شود. در این‌جا خداوند کاپیلا چگونگی مواجه‌شدن پیام‌آوران یاماراجا را، که یامادوتا^۲ نامیده می‌شوند، با کسانی که برای نگهداری از خانواده به کام‌جویی مشغول بوده‌اند، توضیح می‌دهد. در لحظه‌ی مرگ یامادوتاها نگهبان آن اشخاصی می‌شوند که به‌شدت به کام‌جویی مشغول بوده‌اند. آنها مسئولیت انسان مشرف به موت را به عهده می‌گیرند و او را به سیاره‌ای که یاماراجا در آن ساکن است، می‌برند. موقعیت آنجا در آیه‌های بعدی توضیح داده می‌شود.

^۱ Yamarāja

^۲ yamadūtā

آیه ۲۰

"همان‌گونه که یک جنایتکار توسط مأموران دولت دستگیر می‌شود تا مجازات گردد، شخصی که مشغول کامجویی بزهکارانه بوده است، توسط یامادوتاها دستگیر می‌گردد و آنها طنابی محکم بر گردنش می‌بندند و بدن لطیفش را می‌پوشانند تا بتواند تنبیه سختی را متحمل گردد."

شرح

هر موجود زنده توسط یک بدن لطیف و یک بدن زمخت پوشیده شده است. بدن لطیف پوششی است شامل ذهن، منیت، شعور و آگاهی. در کتاب‌های مقدس ودایی گفته شده است که مأموران یاماراجا بدن لطیف مجرم را می‌پوشانند و او را به محل اقامت یاماراجا می‌برند تا به طریقی که توانایی تحمل آن را دارد، مجازات شود. او از این مجازات نمی‌میرد، زیرا اگر بمیرد چه کسی رنج این مجازات را متحمل خواهد شد؟ وظیفه‌ی مأموران یاماراجا این نیست که کسی را بکشند. در واقع کشتن یک موجود زنده امکان‌پذیر نیست، زیرا او ابدی است. او باید از نتایج اعمال کامجویانه‌ی خود رنج برد. روند مجازات در "چیتانیا-چاریتامریتا"^۱ توضیح داده شده است. در گذشته مأموران شاه، مجرم را در یک قایق می‌گذاشتند و به وسط رودخانه می‌بردند. آنها موهای او را محکم می‌گرفتند و وی را کاملاً به زیر آب فرو می‌بردند و هنگامی که تقریباً رو به خفگی می‌رفت، از آب بیرون می‌آوردند و اجازه می‌دادند تا برای لحظاتی نفس بکشد و آنگاه دوباره او را به داخل آب فرو می‌بردند تا مجدداً به حالت خفگی درآید. این نوع مجازات،

¹ Caitanya-caritamṛta

همان‌گونه که در آیات بعدی شرح داده خواهد شد، از سوی یاماراجا در مورد روح فراموش کار اعمال می‌گردد.

آیه ۲۱

"هنگامی که مأموران یاماراجا او را می‌برند، سراسیمه می‌شود و اسیر در دست آنان، بر خود می‌لرزد. هنگام گذر از جاده سگ‌ها وی را گاز می‌گیرند و او می‌تواند اعمال گناه‌آلود زندگی‌اش را به‌خاطر آورد؛ و بدین‌سان، بی‌نهایت اندوهگین می‌گردد."

شرح

طبق این آیه، مجرمی که توسط مأموران یاماراجا دستگیر گردیده است، هنگام انتقال از این سیاره به سیاره‌ی یاماراجا سگ‌های بسیاری را می‌بیند که پارس می‌کنند و گاز می‌گیرند تا او را به‌یاد اعمال نادرستی که برای ارضای حواس انجام داده است، بیندازند. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که شخص هنگامی که به‌شدت تحت فشار خواسته برای ارضای حواس قرار می‌گیرد، تقریباً کور می‌شود و تمامی عقل و منطق خود را از دست می‌دهد و همه‌چیز را فراموش می‌کند. شخصی که به شدت جذب ارضای حواس شده، فاقد ذره‌ای شعور است و فراموش می‌کند که باید از نتایج آن نیز رنج ببرد. در این حالت، سگ‌های مأمور یاماراجا برایش این فرصت را به‌وجود می‌آورند تا اعمالی را که به‌منظور ارضای حواس انجام داده است به‌یاد آورد. هنگامی که ما در بدن زمخت زندگی می‌کنیم، همه، از جمله دولت‌های امروزی، ما را به انجام اعمال کام‌جویانه ترغیب می‌نمایند. در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت از طریق اعمال روش‌های جلوگیری از بارداری، چنین اعمالی را تشویق می‌نماید. به زنان قرص ضدبارداری داده می‌شود و در کلینیک‌های ویژه برای سقط جنین به آنها کمک می‌شود. تمامی این جریان‌ها ناشی از ارضای حواس

است. درحقیقت رابطه‌ی جنسی برای به‌وجود آوردن فرزندی صالح است، اما چون مردم بر حواس خود تسلط ندارند و مرکزی نیز به‌منظور آموزش روش مهار حواس وجود ندارد، این مردم بیچاره قربانی خلاف‌های زشت و نادرست ناشی از ارضای حواس می‌شوند و همان‌گونه که در این بخش از شریما-د-بهاگواتام توضیح داده شده است، مجازات می‌گردند.

آیات ۲۲-۲۴

"مجرم باید در زیر آفتاب سوزان، از جاده‌های پوشیده از شن‌های داغ و از میان جنگل‌های مشتعل عبور نماید. به‌علت عدم توانایی او برای راه رفتن، مأموران به پشتش شلاق می‌زنند و او دچار گرسنگی و تشنگی می‌گردد. اما متأسفانه هیچ آبی برای نوشیدن و هیچ پناهگاهی برای استراحت در طول راه ندارد. او هنگام عبور از مسیر منتهی به اقامتگاه یاماراجا، از فرط خستگی می‌افتد و گاهی بی‌هوش می‌شود، اما دوباره مجبور به برخاستن می‌گردد.

بدین طریق او به‌سرعت به محضر یاماراجا آورده می‌شود. او باید ظرف دو یا سه لحظه، نود و نه هزار یوجانا^۱ را ببیند و سپس بلافاصله به مجازات طاقت‌فرسایی که برایش مقدر گشته است، گرفتار می‌شود."

شرح

یک یوجانا هشت مایل است و بنابراین او باید از جاده‌ای به‌طول ۷۹۲۰۰۰ مایل گذر نماید. چنین مسافت طولانی تنها در چند لحظه کوتاه طی می‌شود. بدن لطیف توسط

^۱ yojana

مأموران پوشیده می‌گردند تا موجود زنده مسافتی چنین طولانی راه، حین تحمل درد، به سرعت طی نماید. این پوشش اگرچه مادی است، اما از عناصری چنان ظریف تشکیل یافته است که دانشمندان مادی قادر به کشف اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن نیستند. در نظر فضانوردان امروزی که توانسته‌اند با سرعتی معادل ۱۸۰۰۰ مایل در ساعت سفر نمایند، طی کردن ۷۹۲۰۰۰ مایل در چند لحظه حیرت‌انگیز است. ولی در این جا می‌بینیم که یک مجرم نه از طریق روند روحانی بلکه مادی این مسافت را در عرض چند ثانیه می‌پیماید.

آیه ۲۵

"او را در میان قطعات چوب سوزان قرار می‌دهند تا اعضای بدنش آتش بگیرد. در بعضی موارد او را مجبور می‌سازند تا از گوشت خود بخورد و یا اینکه بگذارد دیگران آن را بخورند."

شرح

این آیه و سه آیه‌ی بعد، مجازات موجود زنده‌ی گناهکار را توضیح می‌دهد. طبق نخستین توصیف، شخص مجرم باید گوشت خود را که در حال سوختن در آتش است، بخورد و یا اینکه افرادی مانند خودش که در آن جا حضور دارند، آن را بخورند. در آخرین جنگ جهانی، مردم در اردوگاه‌های کار اجباری گاهی مدفوع خود را می‌خوردند، بنابراین جای تعجبی وجود ندارد که در یاماسادانا^۱، اقامتگاه یاماراجا، یک گوشت‌خوار که در زندگی از خوردن گوشت دیگران بسیار لذت می‌برده است، مجبور به خوردن گوشت خود گردد.

¹ Yamasādāna

آیات ۲۶-۲۸

با وجود اینکه او هنوز زنده و ناظر است، امعا و احشای او توسط سگ‌ها و لاشخورهای جهنم بیرون کشیده می‌شوند و توسط مارها، عقرب‌ها، پشه‌ها و دیگر موجودات زنده‌ای که او را می‌گزند، مورد عذاب و رنج واقع می‌گردد. سپس دست و پایش توسط فیل‌ها کنده و دو نیم می‌شود و او را از بالای تپه‌ای به پایین پرتاب می‌کنند و آنگاه در آب یا در غار محبوس می‌نمایند.

مردان و زنانی که زندگی آنها براساس افراط در رابطه جنسی نامشروع پایه‌ریزی می‌گردد، در بسیاری از انواع موقعیت‌های دردناک جهنم قرار داده می‌شوند که به تامیسرا^۱، آندها- تامیسرا^۲ و راورا^۳ موسوم هستند.

شرح

زندگی تمامی افراد مادی‌گرا که در تلاش برای بقاء، آسفتگی‌های زیادی را پذیرا می‌گردند، بر پایه‌ی رابطه‌ی جنسی قرار دارد. از این‌رو، در فرهنگ ودایی رابطه‌ی جنسی تنها به‌طریقی محدود فقط برای زوج‌های ازدواج‌کرده مجاز است و آن‌هم تنها برای به‌وجودآوردن فرزند انجام می‌پذیرد. اما هنگامی که برای ارضای حواس، در رابطه‌ی جنسی نامشروع افراط می‌گردد، هم مرد و هم زن یا در دوران زندگی یا بعد از مرگ باید انتظار مجازات شدیدی را داشته باشند. در این دنیا با امراض عفونی مانند سیفلیس و سوزاک تنبیه می‌گردند و در زندگی بعد، همان‌گونه که در این بخش از شریما-د-

¹ *tāmisra*

² *Andha-tāmisra*

³ *Raurava*

بهاگاواتام ملاحظه می‌گردد، در انواع مختلف شرایط جهنمی قرار داده می‌شوند تا رنج ببرند.

در بهاگاواد-گیتا نیز در فصل اول، رابطه‌ی جنسی نامشروع شدیداً محکوم شده است و بیان شده است شخصی که از طریق رابطه‌ی جنسی نامشروع فرزندان به وجود می‌آورد، به جهنم فرستاده می‌شود. در این قسمت بهاگاواتام نیز تأیید می‌گردد که چنین گناهکارانی را در شرایط جهنمی زندگی، در تامیسرا، آندها- تامیسرا و راثوراوا قرار می‌دهند.

آیه ۲۹

خداوند کاپیلا ادامه داد: "مادر عزیزم، گاهی می‌گویند که ما جهنم یا بهشت را در این سیاره تجربه می‌کنیم، زیرا مجازات‌های جهنمی گاهی در این سیاره نیز قابل مشاهده است."

شرح

گاهی بی‌اعتقادان، این بیانات مقدس را که به جهنم مربوط می‌شود، قبول نمی‌نمایند. از این‌رو، خداوند کاپیلا با ذکر اینکه چنین شرایط جهنمی در این سیاره نیز قابل مشاهده است، آنها را تأیید می‌نماید. نباید تصور کرد که آن شرایط تنها در سیاره‌ای که یاماراجا زندگی می‌کند وجود دارد. در سیاره‌ی یاماراجا به شخص گناه‌کار این فرصت داده می‌شود که زندگی در شرایط جهنمی را که باید در زندگی بعدی آن را بگذراند، تمرین نماید و سپس به او این فرصت را می‌دهند تا در سیاره‌ای دیگر تولد یابد و به زندگی جهنمی خود ادامه دهد.

به‌عنوان مثال، اگر انسانی باید بدین‌طریق مجازات گردد که در جهنم بماند و مدفوع و ادرار بخورد، ابتدا او چنین عاداتی را در سیاره‌ی یاماراجا تمرین می‌کند. در آن هنگام به او نوع خاصی از بدن، همانند بدن خوک داده می‌شود تا بتواند مدفوع بخورد و تصور کند که در حال لذت‌بردن از زندگی است. پیش از این توضیح داده شد که در هر موقعیت جهنمی، روح مقید تصور می‌نماید که شادمان است؛ در غیر این‌صورت برای او تحمل زندگی جهنمی امکان‌پذیر نخواهد بود.

آیه ۳۰

"پس از ترک این بدن، فردی که معاش خود و اعضای خانواده‌اش را با اعمال گناه‌آلود تأمین نموده است، به یک زندگی جهنمی دچار خواهد شد و خویشاوندان او نیز دچار رنج خواهند گردید."

شرح

اشتباه تمدن امروزی این است که فرد به زندگی بعد اعتقاد ندارد. اما چه او چنین اعتقادی داشته و چه نداشته باشد، زندگی بعدی وجود دارد و چنانچه شخص با توجه به دستورات کتاب‌های مقدس موثق مانند وداها و پوراناها مسئولانه زندگی ننماید، باید رنج بکشد. گونه‌های پست‌تر از بشر در مقابل اعمالشان مسئول نیستند، زیرا آنها مجبور به انجام اعمال مشخصی می‌باشند؛ اما در زندگی تکامل‌یافته و آگاهی انسانی، شخصی که مسئولانه عمل نمی‌کند، بی‌شک به یک زندگی جهنمی، به‌نحوی که شرح داده شد، دچار خواهد گشت.

آیه ۳۱

"پس از ترک بدن فعلی، او به تنهایی به تاریک‌ترین وادی جهنم می‌رود و پولی که از طریق حسد ورزیدن به موجودات زنده‌ی دیگر کسب نموده است، بهای گذر او از این دنیاست."

شرح

هنگامی که شخص از طرق غیرمنصفانه پول کسب، و با آن پول از خود و خانواده‌اش نگهداری نماید، اعضای خانواده از آن پول بهره‌مند می‌گردند، اما او تنها به جهنم می‌رود و از نتیجه‌ی واکنش گناهمانی که از یک زندگی نامشروع و جابرانه منتج گردیده است، رنج خواهد برد. برای مثال، چنانچه فردی با کشتن شخصی پولی را به‌دست آورد و با آن پول از خانواده‌اش نگهداری نماید، اشخاصی که از آن پول نامشروع بهره‌مند می‌گردند نیز به‌گونه‌ای مسئول هستند و آنها نیز به جهنم فرستاده می‌شوند؛ اما خود او که هادی این امر بوده است به‌طور خاص مجازات می‌گردد. پولی که او به‌دست آورده است در این دنیا باقی می‌ماند و وی تنها از واکنش گناه برخوردار می‌گردد.

در این دنیا نیز اگر کسی پولی را با به قتل رساندن فردی دیگر به‌دست آورد، اگرچه اعضای خانواده‌ی او نیز آلوده‌ی گناه هستند، اما به دار آویخته نمی‌شوند؛ ولی شخصی که با ارتکاب قتل از خانواده‌اش نگهداری نموده است، به‌عنوان قاتل به دار آویخته می‌شود. مجرم اصلی بیش از بهره‌مندشوندگان فرعی مسئول اعمال گناه‌آلود است. عالم و دانشمند بزرگ چنان‌کیا پاندیتا می‌گوید: بنابراین، شخص هر آنچه را که در مالکیت خود دارد، ترجیحاً باید برای آرمان سات^۱، یا شخصیت اعلاهی خداوند صرف نماید، زیرا نمی‌تواند آنها را با خود ببرد. آنها در این‌جا باقی می‌مانند و از دست خواهند رفت. یا ما پول را ترک می‌کنیم و یا پول ما را ترک می‌نماید. به هر حال ما از یکدیگر جدا خواهیم

¹ sat

شد. بهترین راه استفاده از پول تا زمانی که در مالکیت ما قرار دارد، صرف آن برای اکتساب و تبلیغ کریشناگاهی است.

آیه ۳۲

"بدین ترتیب با مشیتِ شخصیتِ اعلای خداوند، فرد محافظت‌کننده از خویشاوندان در شرایط جهانی قرار داده می‌شود تا به‌خاطر اعمال گناه‌آلودش رنج بکشد؛ وضع او به انسانی می‌ماند که ثروتش را از دست داده است."

شرح

مثالی که در این‌جا زده شده، این است که شخص گناهکار مانند انسانی که ثروتش را از دست داده است، رنج می‌برد. فرم انسانی بدن پس از تولدهای بسیار زیاد توسط روح مقید به دست می‌آید و گنجینه‌ی بالارزشی است. شخصی که به‌جای استفاده از این زندگی برای به‌دست آوردن رهایی، از آن برای نگهداری به‌اصطلاح خانواده‌ی خود استفاده می‌نماید و به این علت اعمالی ابلهانه و ناباب انجام می‌دهد، به فردی تشبیه می‌گردد که ثروتش را از دست داده، و به‌خاطر از دست دادن آن متأسف و اندوهگین است. هنگامی که ثروت از دست می‌رود، تأسف فایده‌ای ندارد؛ اما تا زمانی که ثروت وجود دارد، فرد باید آن را به‌درستی به‌کار گیرد تا سودی جاویدان کسب نماید. ممکن است استدلالی چنین مطرح گردد: هنگامی که فرد پولی را که از راه اعمال گناه‌آلود کسب نموده است بگذارد و برود، اعمال گناه‌آلودش را نیز با آن پول در این دنیا برجای می‌گذارد؛ اما در این‌جا به‌طور اخص ذکر گردیده است که اگرچه انسان پول به‌دست آمده از راه گناه را باقی می‌گذارد، اما بنا بر مشیت الهی اثر آن را همچنان متحمل می‌شود.

هنگامی که فردی پولی را سرقت می‌کند، اگر دستگیر شود و قبول کند که آن را مسترد دارد، از مجازات معاف نمی‌گردد. اگرچه او پول را مسترد می‌دارد، ولی باید طبق قانون

کشور به مجازات تن دردهد. به‌طور مشابه، ممکن است شخص پولی را که از طریق نادرستی کسب نموده است در هنگام مرگ باقی بگذارد، اما بنا بر مشیت متعال، او اثر آن را بر دوش می‌کشد و از این‌رو باید از زندگی جهنمی رنج ببرد.

آیه ۳۳

"بنابراین، شخصی که تنها از طریق روش‌های پلید، مشتاقانه از خانواده و خویشاوندان خود نگهداری می‌نماید، به تاریک‌ترین وادی جهنم موسوم به آندها-تامیسرا^۱ می‌رود."

شرح

سه واژه در این آیه بسیار مهم هستند: کوالنا^۲، یعنی تنها با روش‌های پلید، آدهارمنا^۳، یعنی نادرست یا غیردینی و کوتومبا-بهارانا^۴، یعنی حفاظت خانواده. نگهداری از خانواده به طور یقین وظیفه‌ی یک فرد متأهل است؛ اما شخص باید مشتاق باشد که معاش خود را از طریق روش تجویز شده و به همان‌گونه که در کتاب‌های مقدس توضیح داده شده است، تأمین نماید. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که خداوند نظام اجتماعی را به موجب ویژگی شخص و نوع کار به چهار گروه یا "وارنا"^۵ تقسیم نموده است. اگر بهاگاواد-گیتا را نیز در نظر بگیریم، در هر جامعه‌ای، آدمی با توجه به ویژگی و کارش شناخته می‌شود. به‌عنوان مثال، فردی که معاش خود را با ساختن لوازم چوبی تأمین می‌نماید، نجار نامیده می‌شود و شخصی که با سندان و آهن کار می‌کند، آهنگر خوانده

¹ *Andha-tamisra*

² *kevalena*

³ *adharmena*

⁴ *kuṭumba-bharana*

⁵ *varṇa*

می‌شود. به‌طور مشابه، فردی که در زمینه‌های پزشکی و یا مهندسی مشغول است، وظیفه و عنوانی خاص دارد. تمامی این فعالیت‌های بشری از سوی خداوند به چهار وارنا به نام‌های براهماناها (فرهیختگان و روحانیون)، کشاتریاها^۱ (سلحشوران و مدیران)، وایشیاها^۲ (تاجران و کشاورزان)، و شودراها^۳ (کسانی که کارهای بدنی انجام می‌دهند) تقسیم شده است. در بهاگاود-گیتا و یا سایر کتاب‌های مقدس ودایی، وظایف ویژه براهماناها، کشاتریاها، وایشیاها و شودراها ذکر شده است.

شخص باید با توجه به ویژگی‌های خود، با صداقت کار کند. او نباید از راه غیرمنصفانه یا از طریقی که در آن واجد شرایط نیست، معاش خود را تأمین نماید. اگر شخصی ادعا کند که براهماناست و به‌عنوان یک مبلغ روحانی عمل نماید و به جذب انسان‌هایی که انتظار دارند در مورد راه زندگی روحانی راهنمایی شوند، بپردازد، اما صلاحیت یک مبلغ واجد شرایط را نداشته باشد، با این عمل، مردم را فریب می‌دهد. فرد نباید معاش خود را از چنین روش‌های غیرمنصفانه‌ای کسب نماید. همین مسئله در مورد یک کشاتریا و وایشیا نیز صادق است. به‌خصوص در مورد کسانی که می‌کوشند تا در کریشناآگاهی پیشرفت نمایند گفته شده است که راه‌های کسب درآمد آنان باید بسیار منصفانه و ساده باشد. در اینجا یادآوری گردیده است فردی که مخارج زندگی را از راه‌های غیرمنصفانه و غیرعادلانه، یعنی کوالنا، کسب می‌نماید، به تاریک‌ترین وادی جهنمی فرستاده می‌شود. اما چنانچه شخصی خانواده‌اش را از طریق روش‌های تجویز شده و راه‌های صادقانه نگهداری نماید، هیچ‌گونه ایرادی نسبت به اینکه او متأهل باشد وجود ندارد.

¹ kṣatriyas

² vaiśyās

³ śūdrās

آیه ۳۴

"پس از اینکه فرد تمامی شرایط جهنمی رقت‌انگیز را طی کرد و طبق روند منظمی انواع پایین‌ترین شکل‌های حیوانی قبل از تولد انسانی را به خود گرفت و بدین‌سان از گناهان پاک شد، مجدداً به صورت انسان بر روی زمین متولد می‌گردد."

شرح

همان‌طور که یک زندانی که دوران پرمشقت زندان را گذرانده است مجدداً آزاد می‌گردد، شخصی که همواره به اعمال گناه‌آلود و پلید اشتغال داشته است، در شرایط جهنمی قرار داده می‌شود و پس از آنکه زندگی‌های جهنمی گوناگون نظیر زندگی به صورت حیوانات پست‌تر چون سگ و گربه و خوک را پشت سر نهاد، از طریق روند تدریجی تکاملی مجدداً به صورت انسان زاده می‌شود.

در بهاگاواد-گیتا گفته شده است شخصی که به تمرین یک سیستم یوگا اشتغال دارد، اگرچه ممکن است آن را به‌طور کامل به پایان نرساند و به دلایلی فرو افتد، اما زندگی بعد او به‌عنوان یک انسان تضمین شده است. گفته شده به چنین شخصی که از مسیر انجام یوگا فرو افتاده است، در زندگی بعد فرصتی داده می‌شود که در خانواده‌ای بسیار ثروتمند یا در خانواده‌ای بسیار پرهیزکار متولد شود. "خانواده‌ی ثروتمند" یعنی خانواده‌ی تاجر بزرگ، زیرا افرادی که به تجارت مشغول هستند اغلب بسیار ثروتمند هستند. به شخصی که در روند خودشناسی، یا به برقراری ارتباط با حقیقت مطلق متعال، مشغول بوده اما فرو افتاده است این اجازه داده می‌شود که در چنین خانواده‌ی ثروتمندی یا در خانواده‌ی براهماناهای متقی تولد یابد. در هر حال، تولد او در جامعه‌ی انسانی در زندگی بعد تضمین شده است.

می‌توان نتیجه گرفت که اگر شخص خواهان آن نیست که به زندگی جهنمی همانند تامیسرا یا آندها- تامیسرا وارد گردد، باید روند کریشناآگاهی را که نظام درجه‌ی اول یوگایی است، در پیش گیرد؛ زیرا حتی اگر فردی قادر نگردد که کریشناآگاهی کامل را در این زندگی به‌دست آورد، این ضمانت وجود دارد که دست کم در زندگی بعدی خود در یک خانواده‌ی انسانی متولد گردد و به زندگی جهنمی فرستاده نشود. کریشناآگاهی پاک‌ترین زندگی است و تمامی انسان‌ها را از فروافتادن به جهنم و تولدیافتن در خانواده‌ی سگ‌ها و خوک‌ها حفظ می‌نماید.

فصل سوم

روش صلح و آرامش

قوانین طبیعت درست همان‌گونه که به‌طور فردی عمل می‌نمایند، به‌طور جمعی نیز اعمال می‌گردند. در شرح خلاصه، اما متقاعدکننده‌ی ذیل، شریلا پرابهوپاد توضیح می‌دهند که اگر ما بخواهیم تارهای درهم‌تنیده‌ی کارمای جمعی را که در جامعه‌ی فعلی در حال ایجاد آشوب و ویرانی است، در هم شکنیم - اگر خواهان آرامش جمعی و فردی هستیم - لازم است کریشناآگاهی را به‌طور جدی در پیش گیریم.

اشتباه بزرگ تمدن امروزی این است که به اموال دیگران تجاوز می‌نماید، به‌گونه‌ای که گویی آن اموال به خودش تعلق دارد و به این دلیل موجب آشفتگی بی‌موردی در قوانین طبیعت می‌گردد. این قوانین بسیار قدرتمند هستند و هیچ موجود زنده‌ای قادر نیست آنها را برهم زند. تنها، کسی که کریشناآگاه است می‌تواند به‌سادگی بر قوانین سخت طبیعت غلبه نماید و بدین طریق در دنیا خوشبخت و آرام باشد.

همان‌گونه که یک کشور توسط بخش قانون‌گذاری و امنیت حفاظت می‌گردد، کشور کیهان نیز که کره‌ی زمین تنها جزء ناچیزی از آن است، توسط قوانین طبیعت محافظت می‌گردد. این طبیعت مادی یکی از انرژی‌های گوناگون خداوند است که مالک غایی همه‌چیز می‌باشد. بدین‌سان کره‌ی زمین ملک خداوند است، اما ما موجودات زنده، به‌خصوص انسان‌های به‌اصطلاح متمدن، تحت ادراک غلط فردی و جمعی، ادعا می‌کنیم که ملک خداوند به ما تعلق دارد. اگر شما صلح و آرامش می‌خواهید باید این درک غلط را از ذهن خود و از جهان بزدا کنید. این ادعای دروغین مالکیت بر زمین از

سوی نژاد بشر، به‌طور جزئی یا کلی علت تمامی اغتشاش حکم‌فرما بر صلح و آرامش کره زمین است.

انسان‌های نادان به‌اصطلاح متمدن، در حال حاضر مدعی حق مالکیت بر ملک خداوند هستند، زیرا خدانشناس شده‌اند. شما نمی‌توانید در جامعه‌ای بی‌خدا، خوشبخت و آرام باشید. در بهاگاود-گیتا خداوند کریشنا می‌فرماید که او بهره‌مندشونده‌ی حقیقی از تمامی اعمال موجودات زنده، او خداوند متعال تمامی کیهان‌ها و دوست خیرخواه همه‌ی موجودات است. وقتی انسان‌های جهان، این حقیقت را به‌عنوان روشی برای صلح و آرامش بپذیرند، از آن لحظه صلح و آرامش حکم‌فرما خواهد شد.

از این‌رو اگر شما واقعاً آرامش می‌خواهید باید آگاهی خود را هم به‌طور فردی و هم به‌طور جمعی از طریق روند ساده‌ی ذکر نام مقدس خداوند، به کریشنا آگاهی تغییر دهید. این روند متعارف و موثق برای کسب صلح و آرامش در جهان است. بنابراین ما توصیه می‌کنیم که همه با ذکر "هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره/هاره هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره"، کریشنا آگاه شوند.

این روند، عملی، ساده و والا است. پانصد سال پیش، این روش در هند از سوی خداوند "شری چیتانیا"^۲ معرفی گردید و اکنون در سراسر جهان شناخته شده است. این روند ساده‌ی ذکر راه، همان‌گونه که در بالا گفته شد، آغاز کنید و موقعیت حقیقی خود را با خواندن "بهاگاود-گیتا همان‌طور که هست"^۳ درک نمایید و رابطه‌ی گم‌گشته‌ی خود را با کریشنا - خداوند - دوباره برقرار سازید. در این‌صورت، بلافاصله آرامش و سعادت در جهان فراگیر خواهد شد.

¹ hare kṛṣṇa hare kṛṣṇa kṛṣṇa kṛṣṇa hare hare hare rāma hare rāma rāma rāma hare hare

² Śrī Caitanya

³ Bhagavad-gītā As It Is

درباره‌ی نویسنده

"ا. ج. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد"^۱ با شهرت جهانی "شریلا پرابهوپاد"^۲ در ۱۸۹۶ در کلکته‌ی هندوستان چشم بر این جهان گشود. در ۱۹۲۲، در نخستین ملاقات با پیر روحانی خود، "شریلا بهاکتی سیده‌انتا ساراسواتی گوسوامی"^۳، وی از شریلا پرابهوپاد خواست تا نسبت به اشاعه‌ی دانش ودایی در جهان غرب اقدام کند. شریلا پرابهوپاد شاگردی او را پذیرفت و یازده سال بعد در الله‌آباد مرید تشریف‌یافته‌ی وی شد. در سال‌های بعد وی شرحی بر بهاگاواد-گیتا نگاشت و در ۱۹۴۴ بدون هیچ کمکی، انتشار مجله‌ی "بازگشت به نزد خدا"^۴ را به زبان انگلیسی، هر دو هفته یک‌بار، آغاز کرد. انتشار این مجله پس از آغاز هیچ‌گاه قطع نشد و هم اکنون نیز توسط مریدان ایشان به بیش از سی زبان منتشر می‌شود.

به منظور قدردانی از دانش فلسفی و عبودیت شریلا پرابهوپاد، انجمن "گودیا وایشناوا"^۵ در ۱۹۴۷ او را به لقب بهاکتی‌ودانتا^۶ مفتخر ساخت. در ۱۹۵۰ شریلا پرابهوپاد در سن پنجاه و چهار سالگی از زندگی خانوادگی کناره گرفت و چهار سال بعد مرحله‌ی "واناپراستها"^۷ (بازنشستگی) را اختیار نمود تا زمان بیشتری را وقف مطالعات و نگارش کند. شریلا پرابهوپاد به شهر مقدس ورینداون عزیمت کرد و در معبدی تاریخی و متعلق به قرون وسطی به نام "رادها دامودارا"^۸ سکنا گزید. او در آنجا چند سالی را به مطالعه‌ی

¹ A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupada

² Srilla Prabhupada

³ Srila Bhaktisidhanta Sarasvati Gosvami

⁴ Back to Godhead

⁵ Gaudya Vaisnava

⁶ Bhaktivedanta

⁷ vanaprastha

⁸ Radha Damodara

عمیق و نگارش سپری کرد. شریلا پرابهوپاد در رادها دامودارا شاهکار زندگی خود یعنی ترجمه و شرح چندین جلدی هجده هزار آیه‌ی شریما- بهاگواتام^۱ را آغاز نمود و سرانجام در ۱۹۵۹ مرحله‌ی انقطاع از زندگی (سانیاسا)^۲ را پذیرا گردید.

شریلا پرابهوپاد در ۱۹۶۵ با کشتی باری و عملاً دست خالی به آمریکا رسید. یک سال بعد انجمن بین‌المللی کریشناآگاهی را بنیان نهاد. او تا پیش از ترک این دنیا (۱۴ نوامبر ۱۹۷۷) هدایت این انجمن را بر عهده داشت و انجمن تحت هدایت دقیق وی در مدت ده سال به یک انجمن جهانی با حدود یکصد "آشراما"^۳، مدرسه، معبد، مؤسسه و مجتمع کشاورزی تبدیل و توسعه یافت. اما مهم‌ترین هدیه‌ی شریلا پرابهوپاد به جهان، کتاب‌های وی است. این کتاب‌ها از طرف جوامع علمی به دلیل اعتبار، عمق و روشنی مورد احترام بسیار است و در دروس متعدد دانشگاهی به‌عنوان کتب درسی استاندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشته‌های وی به بیش از هفتاد و هشت زبان رایج ترجمه شده است. "انتشارات بهاکتی‌ودانتا"^۴ که در ۱۹۷۲ به طور اختصاصی برای چاپ آثار شریلا پرابهوپاد تأسیس شد، به‌عنوان بزرگ‌ترین ناشر جهان در زمینه‌ی کتاب‌های دینی و فلسفی هند محسوب می‌گردد.

به‌رغم سن زیاد، شریلا پرابهوپاد در عرض فقط دوازده سال، برای ایراد سخنرانی در شش قاره جهان، چهارده بار به گرد جهان سفر نمود و با وجود چنین برنامه‌ی سنگینی، تا پایان عمر، فعالانه به نگارش ادامه داد. وی بیش از شصت جلد ترجمه، شرح و خلاصه‌های معتبر و موثق بر ادبیات فلسفی و مذهبی هند نگاشت. نوشته‌های وی یک تشکیل‌دهنده‌ی کتابخانه‌ای پُر بار از فرهنگ، ادبیات، مذهب و فلسفه‌ی ودایی است.

¹ *Srimad Bhagavatam*

² *sannyasa*

³ *āśramas*

⁴ *Bhaktivedanta Book Trust*

تمجید پژوهشگران از کتاب‌های شریلا پرابهوپاد

"من فکر می‌کنم که بهترین ویژگی جنبش هاره کریشنا این است که ترجمه‌های بسیار خوبی را از کمیاب‌ترین کتاب‌های کریشنا بهاکتی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد."

دکتر لورنس شین

استاد علوم دینی دانشکده اوپلین

"من کتاب‌های شری بهاکتی و دانتا سوامی را با دقت فراوان، توجه و کششی عمیق خوانده‌ام و دریافته‌ام که این کتاب‌ها برای افراد کنجکاو در زمینه‌ی میراث فرهنگی و روحانی هند، بسیار ارزشمند هستند. نویسنده‌ی این کتاب‌ها در هر ورق، دانشی عمیق درباره‌ی موضوعات مربوطه و همچنین توان ادراک شرح عقاید پیچیده را که کمیاب‌ترین هدایاست، به نمایش می‌گذارد."

دکتر اچ.بی. کولکارنی

استاد زبان انگلیسی و فلسفه‌ی دانشگاه ایالتی یوتا

"انتشارات مؤسسه‌ی بهاکتی و دانتا، اسناد بسیار باارزشی هستند که بدون شک به‌عنوان اثرات برجسته‌ای برای خوانندگان انگلیسی‌زبان که نوشته‌های مذهبی هند را می‌خوانند، محسوب خواهند شد."

دکتر جری ام. چنس

رئیس دانشکده‌ی فلسفه و مذهب دانشگاه ای.آند.ام فلوریدا

قاعده‌ی ارجاع به منابع در متن

۱- ب.گ. مخفف "بهاگاواد-گیتا" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی فصل و سپس شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ب.گ. ۲/۱۶) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۶، آیه ۲؛ (ب.گ. ۸/۱۳-۱۲) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۳، آیات ۸ الی ۱۲؛ (ب.گ. ۷، ۴/۵) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۵، آیات ۴ و ۷.

۲- ش.ب. مخفف "شریماد- بهاگاواتام" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی کنتو و سپس شماره‌ی فصل و آن‌گاه شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ش.ب. ۵/۲/۴) یعنی شریماد- بهاگاواتام، کنتوی ۴، فصل ۲، آیه ۵. سایر موارد نیز مشابه مثال بالاست.

۳- در ارجاع به سایر آثار ودایی نیز همین قاعده رعایت شده است.

